



جزوه
کنکور ۱۴۰۲ | زندگی

دین و زندگی

درس ۱ تا ۷ کتاب دوازدهم

دکتر محمد کریمی

توجه: اگر کتاب سیر تا پیاز جامع کنکور تالیف دکتر محمد کریمی یا زیب دین و زندگی ویراست سوم تالیف دکتر محمد کریمی را دارید پرینت گرفتن جزوه الزامی نیست.

اندیشه و تحقیق



اندیشه مانند بذری است که

- در ذهن جوانه می‌زند.
- در دل و قلب ریشه می‌داورد.
- برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می‌گردد.

- ۱- بهار جوانی را پر طراوت و زیبا می‌سازد.
 ۲- استعدادها را شکوفا می‌کند.
 ۳- امید به آینده‌ای زیباتر را نوید می‌دهد.
 ۴- می‌تواند برترین عبادت‌ها باشد.

حدیث

پیامبر (ص) فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفْكِيرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ»: برترین عبادت،

علت

معلول

اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.»

پیام حدیث: ۱- برترین عبادت ← اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.

۲- پیوسته به یاد خدا بودن در مجموعه اعمال تأثیرگذار خواهد بود.

۳- مقصود از تفکر، تفکر در اسماء و صفات الهی است، نه در ذات.

چیستی

هستی

پرسش

۱- برترین عبادت کدام است و ثمرة آن چگونه ظاهر می‌گردد؟

درس اول

دوازدهم

هستی بخش

در این درس با نیازمندی جهان به خدا در «پیدایش» و «بقا» آشنا می‌شویم و این درس، خودشناسی و معرفت عمیق را موجب افزایش عبودیت می‌داند.

مقدمه



صفحه ۶ کتاب درسی - متن کتاب

تفکر درباره جهان دور و جهان نزدیک این پرسش را ایجاد می‌کند که «موجودات جهان، **هستی** خود را وامدار چه کسی هستند؟»
کهکشان‌ها گیاهان و حیوانات

توحید
نبوت
اصول دین
معاد



عدل و امامت اصول مذهب شیعه هستند (نه اصول دین).

در هر پایه به یکی از این اصول دین پرداخته شده و در قالب یک سؤال مطرح شده که خود آن سؤال، از سؤالات کنکور است. مثلاً
می‌پرسند کتاب دهم در پی پاسخ به چه پرسشی است؟
پرسش کتاب‌های هر پایه به صورت زیر است:

کتاب دهم: هدف از آفرینش چیست؟ تقریب به خدا / **معاد**

کتاب یازدهم: راه درست زندگی کدام است؟ تعقل در پیام الهی / **نبوت**

کتاب دوازدهم: موجودات، هستی را خود وامدار چه کسی هستند؟ هستی بخشی خدا / **توحید**

فقیر و غنی



نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

صفحه ۷ کتاب درسی - متن کتاب

■ شناخت فطری (اولیه)

شناخت اولیه ما از خدا براساس **فطرت** خویش است، به روشنی می‌دانیم در جهانی زندگی می‌کنیم که آفریننده‌ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به موجودات مدد می‌رساند.
توحید ربویت
(درس ۲ - دوازدهم)

■ شناخت عقلی (ثانویه)

معرفت عمیق درباره خداوند یعنی درک وجود او و شناخت صفات و افعال او که راه‌های گوناگونی دارد، قرآن یکی از آن‌ها را **تفکر** درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود به آفریننده و خالق می‌داند.
استدلال بر نیازمندی جهان به خدا در مرحله پیدایش این‌گونه است:

مقدمه اول: ما و این جهان (حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره‌ها و کهکشان‌ها و ...) پدیده‌ایم که وجودمان از خودمان نبوده و نیست. **مقدمه دوم:** پدیده‌ها که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان‌طور چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد.

مقدمه دوم را جامی این‌گونه بیان می‌کند:

ذاتِ نایافه از هستی بخش	چون تواند که بود هستی بخش
خشک ابری که بود ز آب تهی	ناید از وی صفت آبدهی

پیام شعر ۱ نیازمندی پدیده‌ها که در مقدمه دوم استدلال بر نیازمندی جهان به خدا در مرحله پیدایش بیان می‌شود.

۲ هم سو با آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَتَنْتَمُ الْفُقَرَاءِ إِلَى اللَّهِ ...»

در آفریش نیزیک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده و همواره خواهد بود (فنا ناپذیر).

نتیجه: ما و همه پدیده‌های جهان در **پدید آمدن و هست شدن خود**، به آفریننده‌ای نیازمندیم که **خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی** باشد. این وجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می‌شود.

پرسش

۱۱ در اثبات نیازمندی جهان در پیدایش خود به خداوند، کدام مطلب در مقدمه دوم بیان نمی‌شود؟

نیازمندی جهان به خدا در بقا



صفحه‌های ۹ و ۱۰ کتاب درسی - متن کتاب

مصنوعات بشری (مثلاً مسجد گوهرشاد بازمانده از دوره تیموریان) با ساخته شدن، از صانع بی‌نیاز می‌شوند. کار صانع (سازنده) در مصنوعات بشری جایه‌جا کردن مواد و چینش آن هاست (علت نیست). کار خداوند، خلق مواد و ایجاد خواص آن‌ها و خلق خود صانع است (علت حقیقی).

موجودات این جهان همه وابسته به خدا هستند و خداوند هر لحظه که اراده کند، آن‌ها از بین می‌روند، به همین جهت جهان

علت / نیاز در بقا / توحید روایت

همواره و در هر «آن»، به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع یا کم نمی‌شود. به عنوان مثال می‌توان گفت که رابطه خداوند **نیازمندی ما تغییر نمی‌کند.**

با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛ همین که مولد متوقف شود، جریان برق هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند.

بنابراین مصنوعات بشری با ساخته شدن از صانع بی‌نیاز می‌شوند اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان، مانند

لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این‌رو دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی **عرض نیاز** می‌کنند.

علت

زبان حال موجودات را مولوی این‌گونه بیان می‌کند:

ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست	ما چو ناییم و نوا در ما ز توست
تا که ما باشیم با تو در میان	ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان
تو وجود مطلقی، فانی‌نما	ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما
حمله‌مان از باد باشد دم به دم	ما همه شیران ولی شیر عالم



ای مردم شما به خداوند نیازمند هستید
و خدا است که [تنها] بی نیازِ ستوده است.

◀ فقر و وجودی پدیده‌ها و غنای وجودی خدا

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ
خَطَابٌ عَامٌ نِيَازِنَدِيْ در پیدایش و بقا

وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ
بِنِيَازِ وَسْنَوْدَه

- پیام آیه ۱** این آیه خطاب به مردم است اما مردم به عنوان مصدق، مطرح شده است و تمام موجودات مدنظر است.
۲ انسان هرچه دارد، از جمله وجودش که بالاترین داشته‌اش است، از خداست، به همین جهت در هستی و بقای خود به خدا نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع یا کم نمی‌شود و امری مطلق است.
۳ هر موجودی غیر از خدا نیازمند است و نیاز به شخص دیگری برای رفع نیاز دارد، اما چون خداوند غنی است و بی نیاز مطلق، به هیچ‌چیز وابسته نیست و می‌تواند نیاز موجودات را رفع کند.



◀ ارتباط ۱ آیه «يَسَأَلُهُ مَنْ ...» شاهدی بر این آیه است.

۲ آیه «وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» با آیه «اللَّهُ الصَّمَدُ» مرتبط است. (درس ۲ - دوازدهم)

۳ همچنین ابیات فوق و بیت «ذات نایافته از هستی بخش ...» نیز با این آیه در ارتباط‌اند.



◀ نیاز همیشگی مخلوقات به خداوند و عرض نیاز به پیشگاه الهی

يَسَأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

فعل مضارع، نیاز دائمی مخلوقات به خدا

كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

خداؤند هر «آن» هستی بخشی می‌کند

هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند
او همواره دست اندرکار امری است

- پیام آیه ۱** موجودات دائماً مانند لحظه نخست خلق شدن، به خدا نیازمندند.
۲ موجودات وابستگی «آن به آن» به خدا دارند و همچون منبع نور که اگر لحظه‌ای نورافشانی نکند، پرتوهای نور از بین می‌روند.
۳ خداوند نیز اگر مخلوقات را به حال خود گذارد، از بین می‌روند.
۴ عرض نیاز دائمی موجودات به خدا، لسانی و بیانی نیست و به معنای احتیاج و فقر وجودی است.
۵ توحید روایت (مدیریت خداوند). (درس ۲ - دوازدهم)
۶ افعال انسان‌ها در طول افعال الهی قرار می‌گیرد. (درس ۵ - دوازدهم)



◀ ارتباط ۱ آیه و آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ...» هر دو با ابیات صفحه قبل از مولوی در ارتباط‌اند.



با توجه به کتاب درسی جدید دین و زندگی، هر دو آیه فوق به نیاز کلی موجودات به خداوند اشاره دارد، ولی اگر مجبور به گزینش میان بقا یا پیدایش شدید، با توجه به کتاب‌های قدیم‌تر، آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ...» بیشتر متمرکز بر نیاز موجودات در پیدایش به خدا و آیه «يَسَأَلُهُ مَنْ ...»، بیشتر متمرکز بر نیاز در بقا است.



پرسش

۱۲ از دقت در پیام کدام آیه، به صرف تحقق دست‌اندرکاری آن به آن خداوند در رفع نیاز موجودات بی می‌بریم و این موضوع به کدام مرتبه از نیازمندی موجودات به خدا اشاره دارد؟

آگاهی، سرچشمه بندگی



صفحه‌های ۱۰ و ۱۱ کتاب درسی - متن کتاب

انسان‌های **ناآگاه** نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند بی‌توجه‌اند.انسان‌های **آگاه**، دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌دانند.

هرچه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، **نیاز** به او را بیشتر احساس و **ناتوانی و بندگی** خود را بیشتر ابراز می‌کند.
معلول علت **B** **A**
سودمندترین دانش‌ها (درس ۲ - دهم)

افزايش خودشناسی ▶ درک بیشتر نیاز و فقر ▶ افزایش بندگی
معلول علت ۱ **معلول ۲** علت ۲

پیامبر گرامی (ص) که در اوج معرفت و خودشناسی بود و فقرو نیازمندی خود به خدا را درک کرده بود، از خداوند می‌خواست که همیشه لطف و رحمت الهی را به او برساند و لحظه‌ای او را به خود واگذار نکند (صدقای آیه «يَسَأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...»).

معلول**علت**

صفحه ۱۱ کتاب درسی - حدیث

«خدایا مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذار.» **پیامبر (ص) می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طُرْقَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»**

پیام حدیث این حدیث بیانگر آن است که معرفت بالای پیامبر (ص)، موجب درک والای ایشان از نیاز خود به خدا شده و بندگی ایشان به نهایت رسیده است.



نور هستی



قرآن کریم رابطه میان خداوند و جهان هستی را با چه کلمه شگفت‌انگیزی بیان می‌کند؟



صفحه ۱۱ کتاب درسی - نور، ۳۵

◀ رابطه میان خدا و جهان هستی / جهان تجلی‌گاه خداست

خداوند نور آسمان‌ها و زمین است ...	الله نور السماوات و الأرض ...
پیام آیه ۱ خداوند نور هستی است، یعنی موجودات به سبب او پیدا و آشکار شده و وجودشان به وجود او وابسته است.	پیام آیه ۱ خداوند نور هستی است، یعنی موجودات به سبب او پیدا و آشکار شده و وجودشان به وجود او وابسته است.
هر موجودی در حد خودش تجلی‌بخش خداوند بوده و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.	هر موجودی در حد خودش تجلی‌بخش خداوند بوده و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.
به هرچیزی که دید، اول خدا دید	دلی کز معرفت نور و صفا دید
به دریا بنگرم دریا تو بینم نشان از قامت رعنا تو بینم	به صحراء بنگرم صحراء تو بینم به هرجا بنگرم کوه و در و دشت
آن که با دقت و تأمل در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.	و با ابیات: حدیث: «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا ...» از امام علی (ع).

نور بودن خداوند به چه معنایی است؟



صفحه ۱۱ کتاب درسی - متن کتاب

نور، آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود. **خداوند نور هستی است**. یعنی تمام موجودات، «وجود» خود را از او می‌گیرند، به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی‌بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است. آنان که با دقت و تأمل در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.

معلول**علت**

به هرچیزی که دید، اول خدادید	دلی کز معرفت نور و صفا دید
	و به تعبیر باباطاهر:
به دریا بنگرم دریا تو بینم نشان از قامت رعنای تو بینم	به صحراء بنگرم صحراء تو بینم به هرجا بنگرم کوه و درودشت
این دو بیت از باباطاهر با بیت «دلی کز معرفت ...» از شیخ محمود شبستری هم مفهوم‌اند و به معرفت عمیقی که با هرچیزی خداوند را بینند، اشاره دارند.	!

 صفحه ۱۲ کتاب درسی - حدیث	امام علی (ع) می‌فرماید: «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ وَمَعْهُ» با آن دیدم.
	پیام حدیث ۱
	خداؤند بر همه جهان احاطه دارد و در ظاهر و باطن تک تک ذرات آن هویدا است.
	۲ هر موجودی به اندازه خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است، چون علی (ع) با دققت در جهان هستی می‌نگرد، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کند.
	۳ «قبله» یعنی مخلوقات پدیده‌هایی هستند که قبلان بوده‌اند و خالق آن‌ها، به آن‌ها هستی داده است. (نیاز در پیدایش)
	۴ «معه» یعنی مخلوقات پدیده‌هایی هستند که در حال حاضر، وجودی سرتاسر نیاز دارند و بقای خود را مرهون همان خالق که خداست، می‌باشند. (نیاز در بقا)
	۵ «بعده» یعنی مخلوقات پدیده‌هایی هستند که از خدا هستند و به سوی خدا می‌روند. (اعتقاد به معاد)

معرفت عمیق و والا نسبت به خدا چگونه است؟

 صفحه ۱۲ کتاب درسی - متن کتاب	اینکه انسان بتواند با هرچیزی خدا را بینند، معرفتی عمیق و والا است که در نگاه نخست مشکل به نظر می‌آید اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفائی قلب دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.
	سنن امداد خاص الهی (درس ۶ - دوازدهم)

چشیدن لذت معرفت معلول پیوند پاکی و صفائی قلب با عزم و تصمیم است.
پاکی و صفائی قلب + عزم و تصمیم ◀ چشیدن لذت معرفت

ناتوانی در شناخت ذات و چیستی خداوند

 صفحه‌های ۱۲ و ۱۳ کتاب درسی - متن کتاب	موضوعاتی که می‌خواهیم درباره آن‌ها شناخت پیدا کنیم، دو دسته‌اند: دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می‌گیرند و ما می‌توانیم ذات و ماهیت آن‌ها را شناسایی کنیم. مثل گیاهان، حیوان‌ها، ستارگان و کهکشان‌ها که چون همه آن‌ها امور محدود هستند، ذهن ما توان فهم چیستی و ذات آن‌ها را دارد. دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما نگنجایش درک آن‌ها را ندارند زیرا «لازمه شناخت هرچیزی احاطه و دسترسی به آن است» ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی‌توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند علت معلول حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی‌تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند. بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان علت معلول آفریدگار جهان پی می‌بریم و صفات او را می‌توانیم بشناسیم، اما نمی‌توانیم ذات و چیستی او را دریابیم.
---	--



پرسش

| ۱۳ | اگر سؤال شود «آیا می‌توانیم به ذات خدا پی ببریم؟» پاسخ ما کدام است و دلیل آن چیست؟



صفحه ۱۳ کتاب درسی - حدیث

«در همه چیز تفکر کنید؛ ولی در ذات خداوند تفکر نکنید.»

پیامبر (ص) فرموده است: **تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ**

فعل نهی

فعل امر نشانه ممنوعیت است.

نشانه تشویق است.

پیام حدیث تفکر در هستی، وجود و صفات خداوند ممکن و مورد تشویق است؛ اما تفکر در چیستی، ماهیت و ذات خداوند ناممکن و ممنوع است.

تفکر در صفات/افعال/هستی/وجود خدا ▶ «تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ» / تشویق و ممکن

تفکر در ذات/چگونگی/چیستی/ماهیت خدا ▶ «لَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ» / ممنوع و ناممکن

!



پرسش

| ۱۴ | علت توصیه پیامبر اکرم (ص)، مبنی بر «تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ»، کدام است؟



صفحه ۱۴ کتاب درسی - اندیشه و تحقیق

با وجود شباهت‌های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت‌ساز و ساعت، تفاوت‌های این دو رابطه را بتویسید.

۱ رابطه خدا با جهان، رابطه علت و معلوی است، یعنی خداوند هستی بخش و علت جهان است، اما ساعت‌ساز علت نیست، فقط اجزاء را جابه‌جا کرده است.

۲ جهان در تمام مراحل هستی (پیدایش و بقا) به خداوند نیازمند است، اما ساعت پس از ساخته شدن، از ساعت‌ساز بی‌نیاز می‌شود و دوام و بقای آن به ساعت‌ساز وابسته نیست.

درس دوم

دوازدهم

یگانه بی همتا

۳

در این درس با حقیقت توحید و مراتب آن آشنا می‌شویم و این درس، تشخیص مرز میان توحید با شرک را موجب نجات از انحراف و درک حقیقت اسلام می‌داند.

مقدمه



صفحه ۱۸ کتاب درسی - حدیث

علت

معلول

امام علی (ع) می‌فرمایند: «خدای من! مرا این عزّت بس که بندۀ تو باشم ▶ جمله «معلول» است.
بندگی خدا موجب عزت است. توحید عملی

علت

معلول

این افتخار بس که تو پروردگار منی ▶ جمله «علت» است.
توحید برویت فخر علی (ع) پروردگاری خداست.

خدای من! تو همان گونه‌ای که من دوست دارم، پس مرا آن‌گونه قرار ده که تو دوست داری.
علی (ع) توفیق می‌طلبید، آن‌گونه باشد که خدا دوست دارد.

جایگاه توحید در دین



صفحه ۱۸ کتاب درسی - متن کتاب

مهمنترین اعتقاد دینی «توحید و یکتاپرستی» است. اسلام دین توحید و قرآن کتاب توحید است. در اسلام بدون اعتقاد به توحید هیچ اعتقاد دیگری اعتبار ندارد. توحید سرلوحة دعوت همهٔ پیامبران بوده است. خداوند در قرآن کریم، اخلاق، احکام و همهٔ اعمال توحید، اعتباربخش به نبوت و معاد است.

فردی و اجتماعی مؤمنان را بر مدار توحید قرار داده است. توحید مانند روحی در پیکرهٔ معارف و احکام دین حضور دارد و به آن حیات و معنا می‌بخشد.



پرسش

| ۱ | بنابر فرمایش امام علی (ع)، توفیق بندگان در چیست و اگر دین را مانند جانی بدانیم، پیکرو جسم آن کدام است؟

توحید و برخی مراتب آن

صفحه ۹ کتاب درسی - متن کتاب

توحید به معنای اعتقاد به خدای یگانه است؛ یعنی خدا بی‌همتاست و شریکی ندارد و این بیانگر **اصل** و **حقیقت توحید** است. رسول خدا (ص) از همان آغاز رسالت خود، از مشرکان می‌خواست با گفتن جمله «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» دست از شرک و بتپرستی بردارند و به خدای یگانه ایمان آورند.

توحید موجب ایجاد حقوق فردی و اجتماعی می‌شود

صفحه ۹ کتاب درسی - متن کتاب

با گفتن عبارت «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**»:

۱ تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می‌شود. (حقوق فردی)

۲ دفاع از حقوق او بر دیگر مسلمانان واجب می‌گردد و در زمرة برادران و خواهران دینی قرار می‌گیرد. (حقوق اجتماعی)

۳ جمله «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» فقط یک شعار نیست بلکه پایبندی به آن، همه زندگی فرد تازه مسلمان را در رابطه با خدا، خویشن، خانواده، اجتماع و دیگر مخلوقات تغییر می‌دهد. (تأثیر عمل به این عبارت در همه شئون زندگی)

توحید و یگانگی خداوند مراتبی دارد که به بیان برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

توحید در خالقیت

صفحه ۹ کتاب درسی - متن کتاب

توحید در خالقیت عبارت است از اینکه معتقد باشیم، خداوند **تنهای مبدأ و خالق جهان** است، موجودات همه مخلوق او هستند و در کار آفرینش شریک و همتای ندارد.

صفحه ۹ کتاب درسی - زمره ۶۲

توحید در خالقیت

خدا آفریننده هر چیزی است ...

الله خالق کل شیء...

پیام آیه ۱ خدا تنها مبدأ و خالق جهان است، جهان از یک اصل پدید آمده است نه چند اصل.

۲ موجودات همه از خدا هستند، یعنی از او پدید آمده‌اند پس او خالق است.

۳ تصور چند مبدأ برای جهان منجر به شرک در خالقیت می‌شود.

ارتباط این آیه با عبارت «**قُلِ اللَّهُ خالقُ كُلِّ شَيْءٍ...**» در آیه ۱۶ سوره رعد ارتباط دارد.

توحید در مالکیت

صفحه ۹ کتاب درسی - متن کتاب

از آنجا که خداوند تنها خالق جهان است پس تنها **مالک** آن نیز هست؛ زیرا هر کس که چیزی را پدید می‌آورد، مالک آن است.

علت ۲ معلول ۱

صفحه ۹ کتاب درسی - آن عمران، ۱۰۹

توحید در مالکیت

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خدادست ...

و **اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ...**

پیام آیه ۱ از آنجا که خداوند خالق آسمان‌ها و زمین است، مالک آن‌ها نیز می‌باشد.

۲ آیه بیانگر (حاکی از) توحید مالکیت است. ۳ آیه برخواسته از توحید خالقیت است. ۴ آیه زمینه‌ساز (منشأ) توحید ولایت است.

توحید در ولایت



صفحه ۹ کتاب درسی - متن کتاب

هر کس مالک چیزی باشد **حق تصرف و تغییر** در آن چیز را دارد، اما دیگران **بدون اجازه وی** نمی‌توانند در آن تصرف یا از آن استفاده کنند. به این حق تصرف، **ولایت و سرپرستی** می‌گویند.



صفحه ۹ کتاب درسی - کهف، ۲۶

آن‌ها هیچ **ولی** [سرپرستی] جزاً ندارند و او در **فرمانروایی** خویش کسی را شریک نمی‌سازد.

ما لَهُمْ مِنْ دُوَيْهِ مِنْ وَلِيٍّ
وَ لَا يُشَرِّكُ فِي حَكْمِهِ أَحَدٌ

پیام آیه ۱ ولایت بر موجودات فقط به خداوند منحصر است.

۲ خداوند هرگز بخشی از ولایت خود را به دیگری واگذار نمی‌کند بلکه دیگران را مسیر و مجرای ولایت خود قرار می‌دهد.



صفحه‌های ۱۹ و ۲۰ کتاب درسی - متن کتاب

دلیل ولایت خداوند

از آنجا که خداوند تنها مالک جهان است تنها **ولی** و سرپرست جهان نیز هست و مخلوقات، جز به اذن و اجازه او نمی‌توانند در جهان **عمل** معلول

تصرف کنند. چنین اذنی به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست، بلکه بدین معناست که خداوند آن شخص را در مسیر و مجرای ولایت خود قرار داده است. (رابطه طولی ولایت بندگان و ولایت خداوند) اگر خداوند پیامبر اکرم (ص) را **ولی** انسان‌ها معرفی می‌کند، بدین معناست که ایشان را واسطه ولایت خود و رساننده فرمان‌هایش قرار داده است.

توحید در ربویت


صفحه ۲۵ کتاب درسی - متن کتاب

رب به معنای مالک و صاحب اختیاری است که **تدبیر و پرورش** مخلوق به دست اوست. هر کس که خالق و مالک و **ولی** چیزی باشد، می‌تواند آن را **تدبیر کرده و پرورش** دهد. عمل معلول

دلیل ربویت خداوند

از آنجا که خداوند تنها خالق، مالک و **ولی** جهان است، تنها **رب** هستی نیز می‌باشد. اوست که جهان را **اداره** می‌کند و آن را به سوی **عمل** معلول

مقصدی که برایش معین فرموده، **هدایت** می‌نماید و به پیش می‌برد.

البته باید به این نکته توجه داشت که توحید در ربویت بدان معنا نیست که موجودات به خصوص انسان، نقشی در پرورش و تدبیر سایر مخلوقات ندارند؛ با غبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند، رشد این درختان نتیجه تدبیر اوست. بلکه، توحید در ربویت بدین معناست که این با غبان و تدبیرش همه از آن **خدا و تحت تدبیر او** هستند. (قبول فاعلیت انسان در طول فاعلیت خدا) **زارع حقیقی و پرورش دهنده اصلی** زراعت خداست و باید شکرگزار او بود. عمل (توحید در ربویت) معلول (توحید عملی)



صفحه ۲۰ کتاب درسی - انعام، ۱۶۴

توحید در ربویت

بگو: آیا جز خدا پروردگاری را بطلبیم در حالی که او پروردگار همه چیز است؟ ...

قل اَغَيْرُ اللَّهِ أَبْغَى زِبَابًا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ...

پیام آیه ۱ تنها خداوند، رب جهان است و آن را تدبیر کرده و به مقصدهش هدایت می‌کند.

۲ تدبیر دیگران جز خداوند، همگی تحت تدبیر و ربویت الهی قرار دارد.

می‌توان مراتب توحید را از منظر رتبه تقدّم و تأخّر در رابطه علت و معلولی، به صورت زیر بیان کرد:

!
خالقیت ▶ مالکیت ▶ ولایت ▶ ربویت



پرسش

۱ اداره جهان و هدایت این مجموعه هدفمند به سوی مقصودی که برایش مُقدّر شده است، مرتبط با کدام مرتبه از توحید است و با کدام

آیه شریفه هم‌آوایی دارد؟

شرك و مراتب آن



صفحه ۲ کتاب درسی - متن کتاب

شرك به معنای شریک قرار دادن برای خدا است. هر کس که معتقد باشد خداوند شریک دارد، مشارک به حساب می‌آید. شرك نیز مانند توحید درجاتی دارد که متناسب با درجات توحید، به برخی از آن‌ها می‌پردازم:

شرك در خالقیت



صفحه ۱ کتاب درسی - متن کتاب

اگر کسی معتقد باشد که این جهان را چند خالق آفریده‌اند، گرفتار شرك در خالقیت شده است.

■ چرا خداوند تنها خالق جهان است؟ (استدلالی بر روی شرك خالقیت)

این تصور که چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان‌اند یا با همکاری یکدیگر این جهان را آفریده‌اند، به معنای آن است که هر کدام از آن‌ها محدود و ناقص هستند و به تنهایی نمی‌توانند کل جهان را خلق کنند.

A همچنین به معنای آن است که هر یک از خدایان مذکور کمالاتی دارد که دیگری آن کمالات را ندارد و گرنه عین همدیگرمی‌شوند و دیگر چند خدا نیستند. چنین خدایان ناقصی، خود، نیازمند هستند و هر یک از آن‌ها به خالق کامل و بینیازی احتیاج دارد که نیازش را برطرف نماید.

پس تصور چند خدایی صحیح نیست و خدای واحد، آفریننده جهان است.

شرك در مالکیت



صفحه ۱ کتاب درسی - متن کتاب

اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند، در کنار او، دیگران هم مالک بخشی از جهان هستند. اگر کسی معتقد به شرك در خالقیت باشد،

در عرض

معتقد به شرك در مالکیت نیز خواهد بود.

شرک در ولایت



صفحه ۲۴ کتاب درسی - متن کتاب

اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند، در کنار او، دیگرانی نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و خودشان حق تصرف در جهان را دارا می‌باشند.

در عرض



صفحه ۲۴ کتاب درسی - متن کتاب

اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند، در کنار او، دیگرانی نیز هستند که تدبیر امور موجودات را بر عهده دارند. اگر کسی در کنار ربویت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه باز کند و گمان کند که کسی می‌تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند، گرفتار شرک شده است.

هر جمله‌ای که عبارت «در کار»، «در عرض» یا «مستقل از خدا» داشته باشد، اشاره به شرک دارد.

!



صفحه ۲۴ کتاب درسی - سوره توحید

بیانگر حقیقت توحید یا اصل توحید

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان
بگو او خداوند یکتاست؛ خداوند بی نیاز است؛
نه زاییده است و نه زاییده شده،
و هیچ‌کس همتای او نیست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ
بِأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوَلَّ
إِلَّا تَوْحِيدٌ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ

پیام آیات ۱ مهم‌ترین اعتقاد دینی که پایه و اساس تمام دین است، اصل توحید است.



۲ به علت آنکه خداوند از هر جهت کامل و بی نیاز است، تنها خود او سزاوار بر طرف کردن نیاز موجودات است و موجودات خواسته و یا ناخواسته، رو به سوی او دارند. **﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾**

۳ رابطه موجودات با خدا، رابطه آفرینش است، نه زایش، به عبارتی خداوند علتی ندارد و از چیزی به وجود نیامده است. **﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوَلَّ﴾**

۴ خداوند چه در ذات، چه در صفات و چه در افعال بی همتا است و هیچ شبیهی ندارد. **﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ﴾**

۵ خداوند پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده ندارد بلکه او تنها پدیدآورنده‌ای است که تمام جهان، هستی خود را از او می‌گیرند. **﴿لَمْ يَلِدْ ... كُفُواً أَحَدُ﴾** (درس ۱ - دوازدهم)



ترکیب با درس ادوازدهم آیه **﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾** از آن جهت که بی نیازی خدا و نیاز مطلق مخلوقات را بیان می‌کند، با آیه **﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَّمُّ الْفُقَرَاءِ ...﴾** ارتباط دارد و از آن جهت که عرض نیاز موجودات و رفع آن توسط خدا را بیان می‌کند، با آیه **﴿يَسْأَلُهُ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ ...﴾** نیز ارتباط دارد.



توحید ربوبیت و خالقیت و نفی شرک ولایت و خالقیت

بگو پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ بگو خدا است،
بگو آیا غیر از او سرپرستانی گرفته‌اید
که [حتی] اختیار سود و زیان خود را ندارند؟
بگو آیا نابینا و بینا برابر است؟
شرک موحد
یا تاریکی‌ها و روشنایی برابرند؟
 بصیرت و نورانیت لازمه
درک توحید است.
یا آن‌ها شریک‌هایی برای خدا قرار داده‌اند
که [آن شریکان هم] مثل خداوند آفرینشی داشته‌اند و
در نتیجه [این دو] آفرینش بر آنان مشتبه شده است
[و از این‌رو شریکان را نیز مستحق عبادت دیده‌اند!؟]
بگو خدا آفریننده هر چیزی است
و او یکتای مقندر است.
معنای واحد القهار

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ پرسش برای تعقل
آشاره به خالقیت خداوند (خدا خالق آسمان‌ها و زمین است)

قُلْ أَفَاتَحَدُّثُ مِنْ دُونِهِ أُولَيَاءَ
شرک در ولایت
لا یملکون لانفسهم نفعاً و لا ضراً

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ
چشم‌دل مقایسه موحد و شرک
ام هل تستوی الظلمات و التور
جمع آمده چون باطل مفرد آمده چون حق یکی است.
متعدد است.

آمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ
نفی ذاتی شرک خالقیت
خلقاً كَخَلْقِهِ فَتَسَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ
شرک در خالقیت

قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ
پاسخ پیامبر (ص) به بتیرستانی که
معبدانی غیر خدا را اخذ کردند
وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ
اصل توحید

پیام آیه ۱ کسی را می‌توانیم به عنوان رب خود انتخاب کنیم که خالق جهان است. «**قُلْ اللَّهُ**»

۲ کسی که اختیار سود و زیان خود را هم ندارد، نمی‌تواند ولی و سرپرست مردم باشد.

۳ مردم در صورتی در اعتقاد به توحید به شک می‌فتدند که شریکانی که برای خداوند قائل می‌شوند، مثل خداوند مخلوقی خلق کرده باشند.

۴ شرک به ظلمت و گمراهی می‌انجامد و توحید به نور و هدایت می‌رسد.

۵ «واحد قهار» بودن خداوند به معنای آن است که جای خالی برای غیر، باقی نگذاشته است تا آن غیر، خود را نشان دهد.

منظور از اصل یا حقیقت توحید، آن بعد از توحید است که همهٔ مراتب آن را دربر دارد.


پرسش

۹۹ از آیه شریفه «**قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَحَدُّثُ مِنْ دُونِهِ أُولَيَاءَ...** کدام پیام دریافت می‌شود؟

۱) اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک بخشی از جهان هستند، اگر کسی معتقد است که شرک در خالقیت باشد، شرک در مالکیت هم دارد.

۲) پرسش و پاسخ هر دو از خداست، پس روشی است که مشرکان خالقیت خدا را قبول دارند ولی پرسش خدا و کمک خواستن از او و نفی شرک را نمی‌پذیرفتند.

۳) اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در عرض او، دیگرانی نیز هستند که حق تصرف و تغییر در آن چیز را دارند و دیگران بدون اجراهه وی نمی‌توانند در آن تصرف کنند.

۴) قرآن به مشرکان می‌گوید: شما که قبول دارید خداوند تنها خالق جهان و تنها مالک آن نیز هست و حق تصرف در آن چیز را دارد پس در کار آفرینش شریک نگیرید.

پاسخ ۲ رد گزینهٔ (۱): این آیه مربوط به شرک مالکیت نیست.

رد گزینهٔ (۳): این جمله صحیح است اما پیام بخشی از آیه است.

رد گزینهٔ (۴): در این آیه پرسش و پاسخ از خداست و مالکیت خداوند مطرح نشده است.



طرح چند سؤال



صفحه‌های ۲۳ و ۲۴ کتاب درسی - متن کتاب

سؤال: مرز توحید و شرک کجاست؟ آیا اگر کسی پزشک را وسیله درمان و بهبود بیماری بداند مشرك است؟ آیا اگر کسی از غیر خدا درخواست کمک کند گرفتار شرک شده است؟ آیا اگر کسی دعا را وسیله جلب مغافرت الهی و صدقه را وسیله دفع بلا بداند مشرك است؟ و بالاخره، آیا توسل به پیامبران و معصومین (ع) شرک به حساب می‌آید؟

پاسخ: این پاسخی است برای همه سؤالات صفحه قبل (در امتحان نهایی بسیار مهم است):
اولاً خداوند رابطه علیت را میان پدیده‌های جهان حاکم کرده است.

مثال از امور مادی: آتش موجب گرما و روشنی، دارو سبب شفا و بهبودی، پزشک وسیله درمان، معمار عامل بنای ساختمان و معلم نیز وسیله تعلیم و تربیت است.

مثال از امور معنوی: دعا سبب آمرزش، صدقه موجب دفع بلا و صله رحم موجب افزایش طول عمر است.

همه این روابط توسط خود خداوند طراحی شده و به اذن و اراده او صورت می‌گیرد. بنابراین، کسی که برای آموختن نزد معلم می‌رود، یا برای درمان به پزشک مراجعه می‌کند، نه تنها معلم و پزشک را شریک خداوند قرار نداده، بلکه **به قانون الهی عمل کرده است**. ثانیاً همان‌گونه که درخواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید منافاتی ندارد، درخواست از اولیای الهی برای اجابت خواسته‌ها نیز منافاتی با توحید ندارد؛ زیرا معلم، به واسطه استفاده از **اسباب مادی** و اولیای الهی، به واسطه **اسباب غیرمادی** و با اذن خداوند این کار را انجام می‌دهند.

سؤال: عقیده به توانایی اولیای الهی در اجابت حاجات چه زمانی به شرک منجر می‌شود؟

پاسخ: عقیده به توانایی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (ع) در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) وقتی **موجب شرک** است که این توانایی را از خود آنها و مستقل از خدا بدانیم. اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیاء از خداوند و به اذن خدا بدانیم **عن توحید** است و از این جهت مانند اثر شفابخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است. این توانایی تنها به زمان حیات دنیوی پیامبر اکرم (ص) اختصاص ندارد و پس از رحلت ایشان نیز استمرار دارد. به عبارت دیگر، روح مطهر رسول خدا (ص) پس از رحلت زنده است و می‌تواند به انسان‌ها باری برساند. اکنون اگر ما از رسول خدا (ص) چیزی درخواست کنیم، درخواست از جسم ایشان نیست، بلکه از حقیقت روحانی و معنوی ایشان است.

جريان تکفيري در سال‌های اخیر برخی از جوامع و کشورهای اسلامی را گرفتار خود کرده است. پیروان این جريان فکري خشک و غيرعقلاني با تفکر غلطی که درباره **توحید** و **شرک** دارند، هر مسلمانی را که مانند آنها نمی‌اندیشد، مشرك و کافر می‌خوانند و گاه کشتن او را واجب می‌شمارند.

پیروان این جريان می‌گويند:

❶ توسل به پیامبران و معصومین شرک است.

❷ طلب دعا و شفيع قرار دادن دیگران برای اينکه خدا انسان را ببخشد، شرک است.

❸ همچنانی معتقدند افرادی که این کارها را بکنند (توسل و ...)، کافر هستند و مسلمان محسوب نمی‌شوند. متأسفانه این جريان، بزرگ‌ترین ضربه را بر اسلام وارد کرد و سبب تغیراتی از مردم جهان از دین اسلام شد.

پرسش

زبان

۱۵ چه کسانی بزرگ‌ترین ضربه را بر پيکر اسلام وارد کده‌اند و اعتقاد غيرعقلاني آنان چيست؟

- ۱) مشركان - طلب دعا و درخواست شفاعت را شرک می‌دانند.
- ۲) تکفيري‌ها - طلب دعا و درخواست شفاعت را شرک می‌دانند.
- ۳) مشركان - استغفار پیامبران در حق منافقان را مؤثر می‌دانند.
- ۴) تکفيري‌ها - استغفار پیامبران در حق منافقان را مؤثر می‌دانند.

پاسخ ۲ جريان خشک و غيرعقلاني تکفيري که در سال‌های اخیر بيشترین ضربه را بر اسلام وارد کده‌اند، دارای این اعتقاد نادرست



هستند که درخواست از بزرگان دین برای برآورده کردن حاجات موجب شرک است.

 پرسش

خارج انسانی ۱۴۰۰

۱۶ | کدام مورد، توضیح مناسبی جهت تبیین مرز توحید و شرک می‌باشد؟

- ۱) در مقام پذیرش ولایت الهی باید هرگونه اثر را از اشیا و یا انسان‌ها سلب کنیم.
- ۲) در متون دینی بارها بر تأثیر نداشتن موجودات گوناگون در عالم تأکید شده است.
- ۳) برای قبول توحید در روایت ضرورتی ندارد که هرگونه اثر را از اشیا و یا انسان‌ها سلب کنیم.
- ۴) می‌توان با قبول اثر مخلوقات این اثر را مستقل از خداوند دانست و ارتباط آن با خداوند منتفی می‌باشد.

پاسخ ۳ | رد گزینه‌های (۱) و (۴): ما اثرو فعل اشیا را قبول داریم اما نه به طور مستقل از خداوند.

رد گزینه (۲): موجودات در عالم و جهان خلقت تأثیرگذار هستند و تأثیر آن‌ها نفی نشده است.



صفحه ۲۶ کتاب درسی - اندیشه و تحقیق

باور به توحید در خالقیت، مالکیت، ولایت و روایت چه تأثیری در زندگی ما دارد؟

کسی که خدا را به عنوان تنها خالق، مالک، ولی و رب جهان پذیرفته و به مراتب توحید نظری اعتقاد دارد؛ رفتاری متناسب با این اعتقاد خواهد داشت و جهت زندگی خود را خدا قرار خواهد داد. چنین انسانی در مسیر توحید عملی حرکت می‌کند که در درس بعد به طور دقیق‌تر با آن آشنا می‌شویم.

درس
سوم
دوازدهم

توحید و سبک زندگی

در این درس با اثرا فکار و اعتقادات (جهان بینی) در رسیدن به سبک زندگی اسلامی آشنا می شویم و این درس، جهت الهی دادن به تمایلات و تصمیم‌ها را موجب پایداری شخصیت دانسته و تابع قوانین الهی کردن اقتصاد و فرهنگ و سیاست را موجب عدالت اجتماعی و نفی طاغوت می داند

مقدمه



صفحه‌های ۳۰ و ۳۱ کتاب درسی - متن کتاب

گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد
معلول (عزم)

برآستان جانان گرسرتowan نهادن
علت (بندگی)

امروزه در بازار سبک زندگی، سبک‌های گوناگونی از زیستن تبلیغ می‌شود که ما باید از میان آن‌ها بهترین را انتخاب کنیم. انتخاب هر یک از این سبک‌ها، **مسیر زندگی** ما را تغییر می‌دهد و سرنوشت دنیا و آخرت ما را رقم می‌زند. این انتخاب مهم باید براساس فکر و به دوراز احساسات باشد و دلیلی محکم و عقل‌پسند از آن حمایت کند.

هر سبکی از زندگی، ریشه در اندیشه‌های خاصی دارد و از جهان بینی ویژه‌ای سرچشمه می‌گیرد. **زندگی توحیدی** نیز شیوه‌ای از زندگی است که **ریشه در جهان بینی توحیدی** دارد.

در پایه دهم آموختیم که افکار و اعتقادات هر فرد مهم‌ترین عامل در تعیین **هدف‌ها** و **رفتارهای** اوست. پس هر فردی مناسب با **اعتقادات خویش**، **مسیر زندگی** خود را انتخاب و بر همان اساس **رفتار** خواهد کرد.

بازتاب توحید در زندگی



صفحه‌های ۳۱ و ۳۲ کتاب درسی - متن کتاب

انسانی که خداوند را به عنوان تنها خالق جهان پذیرفته است (توحید خالقیت) و ایمان دارد که او پروردگار هستی است (توحید ربوبیت)، رفتاری مناسب با این اعتقاد خواهد داشت و جهت زندگی خود را خدا قرار خواهد داد. چنین انسانی در مسیر **توحید عملی** حرکت می‌کند. به عنوان مثال، می‌توانیم از **جعفر بن ابی طالب** یاد کنیم که در حضور **نجاشی**، پادشاه **حبشه**، اثرات پذیرش این اعتقاد را این‌گونه توصیف کرد:

جعفر طیار

توصیف دوره جاهلیت: «ما قیلاً قومی **جاهل** بودیم، بت می پرستیدیم، مردار می خوردیم، مرتكب زشتی‌ها می شدیم، بیوند خوبیشاوندی راقطع می کردیم، بی پناه را پناه نمی دادیم و قوی، ضعیف را می بلعید. این چنین بودیم تا اینکه خداوند از میان ما پیامبری مبعوث فرمود که خانواده‌اش را می شناسیم و به **صداقت و امانت‌داری و عفتمنش** ایمان داریم.

آرمان‌های جامعه توحیدی: پیامبر (ص)، ما را به خدا فراخواند (توحید) که او را یگانه بدانیم، عبادت کنیم و آنچه را که خود و پدرانمان می پرستیدیم کنار بگذاریم، چیزی را شریک او قرار ندهیم، او ما را به عدل، احسان، راستی، درستی، امانت‌داری و نیکی نسبت به

خویشان و همسایگان **دعوت کرد** و از **خوردن مال یتیم** و **ارتکاب فحشاء و منکر و دروغ نهی کرد** و **دستور داد** نماز را به پا داریم، زکات

بپردازیم و ماه رمضان را **روزه بگیریم**، ما نیز او را **تصدیق کرده** و به او ایمان آوردهیم و از او **پیروی کردیم**.»

مؤخر از ایمان

مقدمه برای ایمان

C

توحید در خالقیت و توحید در ربویت علت ▶ توحید عملی

سبک زندگی تعبیری برای توحید نظری

جهان‌بینی تعبیری برای توحید نظری

!

توحید عملی نتیجه و بازتاب توحید نظری است.

از آنجا که **ایمان** همه افراد یکسان نیست و دارای شدت و ضعف است، میزان **تأثیرگذاری** این اعتقاد نیز بستگی به درجه ایمان افراد

دلیل

به توحید و یکتاپرستی دارد. هرچه **ایمان قوی‌تر** باشد، **تأثیر عملی** آن در زندگی بیشتر و هرچه **ضعیف‌تر** باشد، تأثیر آن کمتر خواهد بود.

با این معیار هر کس می‌تواند درجه ایمان خود و تأثیر آن را در زندگی خویش بررسی کند.



۳۲

صفحه

۳۲

کتاب درسی - آل عمران، ۵۱

◀ رابطه توحید در ربویت و توحید عملی

إِنَّ اللَّهَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ

تَوْحِيدُ دُرُّ رُبُّوْبِيْت

فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

تَوْحِيدُ عَمَلٍ بَعْدَ اجْتِمَاعٍ

همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شماست

پس او را بندگی کنید [که] این راه راست [و درست] است

...

۱

پیام آیه

سبک زندگی توحیدی ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد.

۲ نتیجه اعتقاد به توحید در ربویت، اطاعت و بندگی خدا یا توحید عملی و سبک زندگی توحیدی است.

۳ از آنجا که خداوند تنها پروردگار جهان است، تنها اوست که شایسته عبادت است.

۴ از آن جهت که تنها با بندگی خداوند می‌توان به هدف اصلی خلقت انسان، یعنی تقرب به ذات اقدس الهی رسید، این بندگی راه

راست و درست زندگی است.



توحید عملی دارای دو بعد فردی و اجتماعی است که به تبیین هر یک می‌پردازیم:

◀ بُعْدُ فَرْدَى تَوْحِيدُ عَمَلٍ وَ ثَمَرَاتُ آن

...

هر کسی در زندگی خود از فرمان‌های خدا **اطاعت** کند، گام در مسیر توحید عملی گذاشته است. چنین فردی می‌کوشد تمایلات درونی و تصمیم‌ها و فعالیت‌های خود را در جهت **خواست و رضایت الهی** قرار دهد. به طور کلی در تمام برنامه‌های روزانه خود خدا را در نظر می‌گیرد و تلاش می‌کند از دایره فرمان‌های او خارج نشود.

جهان‌بینی علت ▶ از نظر انسان موحد هیچ حادثه‌ای در عالم بی‌حکمت نیست، گرچه حکمت آن را نداند.

سبک زندگی معلول ▶ از همین رو **موحد واقعی** همواره انسانی امیدوار است. در مقابل سختی‌ها و مشکلات، صبور و استوار است و آن‌ها را زمینه موفقیت‌های آینده‌اش قرار می‌دهد. باور دارد که دشواری‌های زندگی نشانه بی‌مهری خداوند نیست، بلکه **بستره** برای رشد و شکوفایی اوست. (این سختی‌ها در قالب سنت ابتلاء و امتحان موجب رشد و شکوفایی می‌شود. (درس ۶ - دوازدهم))

پرسش

۱۱ از آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ» کدام مطلب مفهوم می‌گردد؟



صفحه ۳۳ کتاب درسی - متن کتاب

خوشی و سختی

که هرچه بر سر ما می‌رود ارادت اوست
نهادم آینه‌ها در مقابل رخ دوست

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست
نظیر دوست ندیدم، اگرچه از مه و مهر

پیام شعر انسان موحد خداوند را دوست خود برمی‌گزیند و باور دارد که سختی‌ها و دشواری‌ها در زندگی نشانه‌بی‌مهری خدا نبوده

و بستری برای رشد و شکوفایی اوست.

ارتباط این دو بیت از نظر مفهوم بعد فردی توحید عملی با بیت «برآستان جانان...» در ارتباط است.

انسان موحد، چون زندگی خود را براساس رضایت خداوند تنظیم کرده و پیرو فرمان‌های اوست، **شخصیتی ثابت و پایدار** دارد و برخوردار

علت

از آرامش روحی است.

معلول

انسان موحد موجودات جهان را **مخلوق خدا** می‌بیند و می‌داند که خداوند او را در برابر شان مسئول قرار داده است.

بر همین اساس امام علی (ع) به مردم زمان خود و **همه مردمی** که به خدا ایمان دارند، می‌فرماید:

مؤمنان در **همه زمان‌ها**



صفحه ۳۳ کتاب درسی - حدیث

«تقوای الهی پیشه کنید؛ هم در مورد بندگان خدا، هم در مورد شهربهای آبادی‌ها؛ چراکه شما در برابر همه این‌ها حتی سرزین‌ها و چهارپایان

C

B

A

مسئولید. خدا را اطاعت کنید و از **عصیان** او پرهیزید.»

پیام حدیث انسان موحد، خود را در برابر همه مخلوقات خدا مسئول می‌داند و حق آسیب رساندن به آن‌ها را به خود نمی‌دهد.

(توحید عملی)

بعد فردی شرک عملی و ثمرات آن



صفحه ۳۳ کتاب درسی - متن کتاب

اگر کسی دل به هوای نفس (بت درون) سپرده و او را **معبد** خود قرار دهد و اوامرش را به فرمان‌های خداوند ترجیح دهد یا در پی

کسب رضایت قدرت‌های مادی و طاغوت‌ها (بت‌های بیرون) برآید، چنین شخصی گرفتار شرک عملی شده است.

معنی غیرخدا را در اطاعت کردن شریک کرده است.



صفحه ۳۳ کتاب درسی - فرقان، ۴۳

◀ توصیف شرک عملی در بُعد فردی

آرایتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهَ هَوَاءً أَفَإِنْتَ تَكُونُ
پیامبر اسلام (ص)

آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را معبد خود گرفت،

آیا تو می‌توانی ضامن او باشی [و به دفاع از او برخیزی]؟

علیهِ وکیلاً

پیام آیه

❶ کسی که از هوای نفس خود اطاعت کند، گرفتار شرک عملی شده است.

❷ آیه با استفهام انکاری، به عدم مسئولیت انبیاء الهی در برابر کسانی که با اختیار خود، هوای پرستی را انتخاب کرده‌اند، می‌پردازد.

(اشارة به اختیار انسان)



پرسش

۱۲ قرآن کریم فردی را که دارای ویژگی «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاءً» می‌باشد، چگونه مورد شماتت و سرزنش قرار می‌دهد؟



صفحه ۳۴ کتاب درسی - متن کتاب

اضطراب

تسلیم بودن در برابر امیال نفسانی و فرمان‌پذیری از طاغوت باعث می‌شود شخص، **دروني نازام و شخصیتی ناپایدار** داشته باشد؛ زیرا

معلول

علت

از یک سو **هوای نفس** وی هر روز **خواسته جدیدی** جلوی روی او قرار می‌دهد و از سوی دیگر، **قدرت‌های مادی** که هر روز رنگ عوض می‌کنند، او را به بردگی جدیدی می‌کشانند.



صفحه ۳۴ کتاب درسی - حج، ۱۱

◀ ثمرات شرک عملی در بعد فردی (خسران مبین) / ترسیم شخصیت مشرک

از مردم کسی هست که خدا را بیریک جانب و کناره‌ای [نها] به زبان و هنگام وسعت و آسودگی [اعبادت و بندگی می‌کند، پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می‌گیرد و اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می‌شود. او در دنیا و آخرت [هر دو] زیان می‌بیند. این همان زیان آشکار است.

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرَفٍ

کسی که ایمان سطحی، زبانی و ضعیف دارد.
(در لبِ ایمان و در معرض از دست دادن آن می‌باشد)

فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ أَطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ مَبْنَى عِبُودِيَّتِ آنَّهَا مَنَافِعُ مَادِيٍّ اسْتَ

نایابیاری شخصیت انسان مشرک

خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ

ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

پیام آیه ۱ پرستشی که از روی ایمان است، پرستشی ثابت و پایدار است، یعنی چه در راحتی و آسایش و چه در تنگنا و سختی دست از پرستش خدا برآمد؛ اما پرستشی که از روی تردید است، پرستشی مقطوعی و سطحی بوده و حوادث تلخ و شیرین، آن را تغییر می‌دهد.

۲ تأثیرگذاری عملی توحید براساس شدت و ضعف ایمان است و ایمان افراد هم یکسان نیست. اگر انسان همهٔ حوادث جهان را حکیمانه ببیند، جهان معنای خاصی پیدا می‌کند و در برابر نعمت‌ها (خیر) شکر و در برابر سختی‌ها (شر) صبر و شکیبایی می‌کند.

سیک زندگی

جهان بینی

ولی اگر ایمان به خدا در متن زندگی‌اش نباشد، بسته به شرایط خدا را می‌پرستد.

۳ انسان مشرک چون هر لحظه اسیر خواسته‌های جدید هوی و هوس و بردگی جدید قدرت‌های مادی است، به خواسته‌های دنیا بی خود نمی‌رسد «خَسِرَ الدُّنْيَا» و در آخرت عذاب می‌شود «وَ الْآخِرَةَ».

۴ ارتباط این آیه ثمرة اعمال کسانی است که در آیه «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاءً أَفَأَنَّ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا» توصیف شده‌اند.



پرسش

۱۳ حال گروهی که به صورت مقطوعی خداوند متعال را عبادت می‌کنند به ترتیب در خیرو بلا چگونه توصیف شده‌اند؟

بعد اجتماعی توحید عملی و ثمرات آن



صفحه‌های ۳۵ و ۳۶ کتاب درسی - متن کتاب

بعد اجتماعی توحید به معنای قرار گرفتن همه ارکان یک جامعه در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست. مهم‌ترین رکن یک جامعه **حکومت** آن است.

زمانی یک جامعه توحیدی است که:

۱) حاکم آن براساس قوانین الهی به حکومت رسیده باشد.

۲) همان شرایطی را که خداوند برای حاکم تعیین کرده است، دارا باشد. (مشروعیت)

۳) بکوشد قوانین الهی را در جامعه به اجرا درآورد.

یک جامعه، علاوه بر رکن سیاسی، دارای ارکان دیگری مانند اقتصاد و فرهنگ نیز هست. جامعه‌ای که در مسیر **توحید اجتماعی** حرکت می‌کند، اقتصاد و فرهنگ و سایر ابعاد و ارکان آن نیز به سوی **اجرای فرمان‌های خدای یگانه** پیش می‌رود و به صورت **جامعه‌ای عدالت‌گستر** درمی‌آید.

نتیجه توحید عملی در بعد اجتماعی، توسعه عدالت است.

جامعه توحیدی، **حکومت** کسانی را که خداوند به آن‌ها **حق حکومت نداده** است، نمی‌پذیرد. با آنان که با خداوند و مسلمانان **دشمنی** می‌ورزند، **دوستی نمی‌کند**، با **ظالمان مبارزه** می‌کند. (تبیری) بنا بر فرمان خداوند، از **محرومان** و مستضعفان **حمایت** می‌کند (تولی) و به این سخن خداوند گوش فرا می‌دهد که فرموده است:



صفحه ۳۵ کتاب درسی - مفتخر، ۱

◀ معيار روابط جامعه اسلامی با سایر ملت‌ها / رد شرک عملی در بعد اجتماعی

ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید. به گونه‌ای که [با آنان مهربانی کنید. حال آنکه آنان به دین حقی که برای شما آمده است، کفر ورزیده‌اند...	یا آئیه‌ای آمنوا لا تَنْخِذُوا عَدُوَّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلَیاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوْدَةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِّنَ الْحَقِّ... کفریه دین، دلیل پرهیز از رابطه دوستانه با مشرکان
--	--

پیام‌آیه ۱) جامعه موحد، حکومت کسانی را که خداوند به آن‌ها حق حکومت نداده، نمی‌پذیرد (نفي طاغوت) و با دشمن خدا و مسلمانان دوستی نکرده و با ظالمان مبارزه می‌کند (تبیری).	◀ پیام‌آیه ۲) با تدبیر در آیه شریفه «یا آئیه‌ای آمنوا لَا تَنْخِذُوا عَدُوَّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلَیاءَ...» افراد با ایمان از کدام رفتار با دشمن خدا منع شده‌اند و علت آن چگونه بیان شده است؟
---	---



۱) با تدبیر در آیه شریفه «یا آئیه‌ای آمنوا لَا تَنْخِذُوا عَدُوَّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلَیاءَ...» افراد با ایمان از کدام رفتار با دشمن خدا منع شده‌اند و علت آن چگونه بیان شده است؟

- ۱) همنشینی - «وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِّنَ الْحَقِّ»
۲) مهربانی - «وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِّنَ الْحَقِّ»
۳) همنشینی - «مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ»
۴) مهربانی - «مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ»

◀ پاسخ ۲) «یا آئیه‌ای آمنوا لَا تَنْخِذُوا عَدُوَّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلَیاءَ وَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوْدَةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِّنَ الْحَقِّ»	◀ علت معلول
--	-------------

ارتباط دوسویهٔ توحید فردی و اجتماعی



صفحه ۳۵ کتاب درسی - متن کتاب

میان بعد فردی و بعد اجتماعی توحید رابطه متقابل وجود دارد. هر قدر که مردم یک جامعه به سوی توحید حرکت کنند ارکان جامعه نیز بیشتر رنگ توحیدی به خود می‌گیرد؛ همان‌طور که هر قدر نهادهای اجتماعی در خدمت اجرای قوانین الهی باشد، زمینه برای رشد انسان‌ها و حرکت به سوی خداوند و زندگی موحدانه آسان‌تر می‌گردد. به تعبیر دیگر حرکت فرد و جامعه در جهت الهی، می‌تواند مقوم (قوم) بخش یکدیگر، تداوم دهنده، نگهدارنده، یکدیگر باشد.

ویرگی حاکمیت طاغوت (بعد اجتماعی شرک عملی)



صفحه ۳۵ کتاب درسی - متن کتاب

- ۱ همه فقط خواسته‌ها و تمایلات دنیوی خود را دنبال می‌کنند و تنها منافع خود را محور فعالیت اجتماعی قرار می‌دهند.
 - ۲ اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نیستند.
 - ۳ تفرقه و تضاد جامعه را فرا می‌گیرد و امکان رشد و تعالی از بین می‌رود.
 - ۴ در چنین جامعه‌ای، روز به روز انسان‌های ستمگر بیشتر قدرت پیدا می‌کنند و دیگران را در خدمت امیال خود به کار می‌گیرند. در نتیجه، دیگر سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان‌های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست.



۲۷

۵ | دور شدن مردم یک جامعه از توحید، کدام سیامد را به دنیال خواهد داشت و این سیامد ناشی از حیست؟

توحید و شرک در جهان امروز



صفحه ۳۶ کتاب درسی - متن کتاب

توحید، روح و محور زندگی دینی و شرک روح و محور زندگی ضد دینی است. تا اینجا مراتب و ابعاد توحید و شرک را شناخته ایم. اکنون می خواهیم ببینیم زندگی انسان عصر حاضر تا چه اندازه توحیدی است و کدام یک از مراتب توحید در آن بیشتر مورد غفلت قرار گرفته است. منظور ما از انسان عصر حاضر تمام افراد جامعه نیست، بلکه جو حاکم بر اکثریت افراد است، نه تک تک افراد. می دانیم که جوامع بشری امروزه از نظر صنعت و فناوری پیشرفت فراوانی کرده اند و این جوامع را نمی توان از این جهت با جوامع گذشته مقایسه کرد. همچنین انسان امروز کمتر از بیست و پرستان قبل از اسلام که بیش از ۳۶۰ بیت را می پرستیدند، به دنبال این قبیل بت بسته هاست.

در ابتدا به نظر می‌رسد که امروزه کمتر کسی گرفتار شرک باشد و از این جهت نیز بشر در مسیر پیشرفت می‌باشد، اماً یک واقعیت تلخ در اینجا وجود دارد و آن این است که گرچه شرک در قالب بت و مانند آن در میان بیشتر جوامع امروزی وجود ندارد، اماً انواع دیگری از شرک که بسیار پیچیده‌تر از شرک قدیم است، در میان بشر به چشم می‌خورد که خوب است به آن‌ها توجه کنیم و برای دوری از آن‌ها تلاش نماییم.

دو نمونه از مصادیق شرک پیچیده (خفی) و ثمرات آن در جهان امروز

[۵]

صفحه‌های ۳۶ و ۳۷ کتاب درسی - متن کتاب

۱ امروزه، بسیاری از انسان‌ها جهان خلقت را ملک خود تلقی می‌کنند (**شرک در مالکیت**) و بدون توجه به نظر و رأی مالک حقیقی آن، یعنی خدا، هرگونه که بخواهند در این جهان تصرف می‌کنند (**شرک در ولایت**). این افراد و جوامع، در واقع خود را مالک و ولی و پرورش‌دهنده (ربّ) جهان می‌پندازند (**شرک در مالکیت، ولایت و ربویت**، که از جمله پیامدهای آن:

▪ تخریب محیط‌زیست؛

▪ آسوده شدن طبیعت؛

▪ پیدا شدن جوامع بسیار فقیر در کنار جوامع بسیار ثروتمند و ... است.

برخی از این انسان‌ها، مانند فرعون که «**آنا ربُّكمُ الْأَعْلَى**» (**شرک در ربویت**) می‌گفت و خود را پروردگار بزرگ مردم معرفی می‌کرد؛ خود را مالک دیگر جوامع می‌پندازد (**شرک در مالکیت**) و برای آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند.

۲ بسیاری از انسان‌ها چنان به امور دنیوی سرگرم شده‌اند که **خدا را فراموش کرده** و **خداآنده** در قلب آن‌ها جایگاهی ندارد. **زرق و برق**

B و **A** و زینت دنیا و لذات و شهوت چنان در دلشان فزونی یافته که جایی برای **خلوت انس با خدا** و **درک معنویت نیایش با پروردگار باقی نگذاشته است.**

گویی هوی و هوس و آنچه و آن کس که آنان را به هوس‌هایشان می‌رساند، **بت و معبدشان** شده و آن‌ها را همچون خدا می‌پرستند؛ و از **علت**

ابزارهای جدید، مانند سینما، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و سایر رسانه‌ها در این راه بهره می‌گیرند و **یکسره از خدا و آخرت غافل** شده‌اند.

معلول



صفحه ۳۸ کتاب درسی - اندیشه و تحقیق

آیا می‌توان تنها به جنبه فردی توحید عملی معتقد بود ولی جنبه اجتماعی آن را قبول نداشت؟

خیر، بعد فردی و اجتماعی توحید رابطه دوسویه و متقابل دارند و مکمل یکدیگرند. بسیاری از احکام اسلامی در پرتو تشكیل حکومت تحقق می‌یابد. پس هم شخصیت افراد مسلمان و هم نظام حاکم بر مسلمانان باید جلوه‌گاه توحید باشد

فقط برای تو

درس
چهارم
دوازدهم

در این درس با مفهوم اخلاص در بندگی و نحوه ورود آن به اندیشه، قلب و سپس عمل آشنا می‌شویم و این درس، دستیابی به حکمت و نجات از وسوسه‌های شیطان و رسیدن تقرب را از میوه‌های آن می‌داند.

مقدمه



صفحه ۴۲ کتاب درسی - انعام، ۱۶۲

◀ اخلاص (درجہ عالی توحید عملی) نتیجه توحید در ربوبیت

بگو نمازم، تمامی اعمالم و زندگی و مرگ من برای خداست
اخلاص

توحید عملی (معلول / تابع)

قل انَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايِي وَ مَمَاتِي لِلَّهِ

اعمال تکوینی توحید عملی

که پروردگار جهانیان است.

▶ توحید در ربوبیت (علت / متبع)

زب العالمین

توحید در ربوبیت

▶ پیام آیه از آنجا که خداوند رب و پروردگار است، شایسته است که انسان تمام اعمال و زندگی خود را برای او خالص گرداند. (زندگی به خاطر خدا، اخلاص در بندگی)

▶ ترکیبی با درس ۳ دوازدهم این آیه از آنجا که انجام اعمال برای خدا را نتیجه توحید در ربوبیت می‌داند، با آیه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّيْ وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُهُ» هم مفهوم است.



صفحه ۴۲ کتاب درسی - متن کتاب

در این درس می‌خواهیم بدانیم چگونه می‌توان به سوی پرستش خالصانه این خدای بی‌همتا گام نهاد و یک زندگی توحیدی را تجربه
نمود و اندیشه و قلب و عمل را برای او قرار داد و آن‌گونه که خداوند می‌پسندد، زندگی کرد.

A

B

◀ دعوت پیامبر (ص)، به اخلاص در بندگی در ابعاد جمعی و فردی



صفحه ۴۳ کتاب درسی - سبا، ۴۶

قُل إِنَّمَا أَعِظُّكُمْ بِواحِدَةٍ

خطاب به انحصار در موقعه

پیامبر (ص)

اخلاص تقدیم بعد اجتماعی بر فردی

آن شَفَّوْمَا اللَّهُ مَثْنَى وَ فُرَادَى ...

اخلاص و توحید عملی در بعد اجتماعی و فردی

(به بندگانم) بگو شما را فقط یک موعظه می‌کنم،

[و آن] اینکه به صورت جمعی و فردی برای خدا قیام کنید

...

- پیام آیه ۱** انحصار موعظة خداوند به مردم، اخلاص در بندگی یا تحقق توحید عملی در همه ابعاد است.
- ۲** منظور از قیام فردی و جمعی آن است که انسان‌ها به صورت فردی یا گروهی برای اجرای دستورات خدا به پا خیزند و اقدام کنند و اعمال خود را برای خدا خالص گردانند.
- ۳** اقامه نماز، مطالعه کتاب‌های دینی، امر به معروف و نهی از منکر (تذکرات فردی) و ... از مصاديق قیام فردی و تشکیل حکومت اسلامی، برپایی نماز جماعت، جهاد و ... از مصاديق قیام جمعی و گروهی است.



صفحه ۴۳ کتاب درسی - پس، ۶۰ و ۶۱

◀ گرایش فطری به اخلاص در بندگی

ای فرزندان آدم، آیا از شما پیمان نگرفته بودم که شیطان را نپرستید
که او دشمن آشکار شماست؟ و اینکه مرا بپرستید [که] این، راه مستقیم است؟

آلَّمْ أَعْجَدُ إِلَيْكُمْ يَا تَبَّنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ
نفی شرک عملی بعد اجتماعی (مبارزه با طاغوت)
عهد فطری خدا با انسان

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ
توحید عملی بعد اجتماعی (بریان نظام الهی)
وصف شیطان در قرآن

پیام آیات ۱ بندگی خدا یا بندگی شیطان دوراهی بزرگ ماست و زندگی صحنه انتخاب یکی از این دو راه است.
۲ آیه اشاره به اختیار و جایگاه اراده انسان‌ها در تحقق توحید عملی و اخلاص دارد.

ارتباط آیه «**قُلِ إِنَّمَا أَعْظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ ...**» که اشاره به قیام فردی و گروهی دارد، مصادقی از عبادت مطرح شده در این آیه می‌باشد؛ در واقع «**أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ**» مصادقی از «**أَنْ اعْبُدُونِي**» است.

پرسش

۱۱ | چه زمانی انسان‌ها آراسته به «اخلاص در بندگی» هستند؟



صفحه ۴۳ کتاب درسی - متن کتاب

قبلآموختیم که هدف خلقت انسان تقرب به خداست و این تقرب جز با سعی و تلاش خود انسان به دست نمی‌آید. انسان، همواره بر سر دوراهی بندگی خداوند و بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی، صحنه انتخاب یکی از این دو راه است. آن کس که راه توحید را برمی‌گزیند و در پی آن اندیشه و دل و عمل خویش را برای **رضای** حضرت دوست قرار می‌دهد، خطراتی او را تهدید می‌کند و احتمال انحراف از توحید برای او هست.



صفحه ۴۳ کتاب درسی - حدیث

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که: «راهیابی شرک به دل انسان از راه رفتن مورچه‌ای سیاه در شب تاریک بر تخته سنگی سیاه پنهان تراست.».

پیام حدیث شرک فرایندی تدریجی بوده و همواره انسان‌های موحد را تهدید می‌کند.



صفحه ۴۳ کتاب درسی - متن کتاب

تا در این پرده جزاندیشة او نگذارم

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب

پیام شعر شرک همواره انسان‌های موحد را تهدید می‌کند و انسان باید از دل خود مراقبت کند تا همواره برای خداوند خالص باشد.

بیت و حدیث قبل هر دو هم مفهوم بوده و به خطراتی که انسان‌های موحد را تهدید می‌کند، اشاره دارند.



خلاص در بندگی



صفحه ۴۴ کتاب درسی - متن کتاب

اخلاق به معنی خالص کردن و پاک کردن یک چیز از غیر آن است. این کلمه در کاربرد دینی بدین معناست که شخص عملش را فقط برای رضای خداوند و همان‌گونه که او دستور داده است، انجام دهد.

حسن فعلی

در اسلام **اخلاق** شرط قبولی تمامی اعمالی است که فرد به درگاه خداوند عرضه می‌دارد.

پرسش

۱۲ شرط قبولی تمامی اعمال انسان چیست؟



صفحه ۴۴ کتاب درسی - متن کتاب

اخلاق مانند دوست داشتن، سخاوت، شجاعت **درجات** و **مراتبی** دارد. همان‌گونه که در ارزش‌گذاری طلا، عیار یا درصد خلوص آن اهمیت دارد، اعمال انسان نیز هرچه با اخلاص بالاتری همراه باشد، ارزش بیشتری دارد. مهم این است که انسان تلاش کند تا عمل خود را روز به روز برای خداوند خالص تر گردد.



صفحه ۴۴ کتاب درسی - حدیث

بر همین اساس پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «مؤمنان، با توجه به **مراتب اخلاصشان**، بر یکدیگر **برتری** پیدا می‌کنند».پیام حدیث **معیار برتری** اعمال انسان درجه خلوص آن است.

صفحه ۴۴ کتاب درسی - متن کتاب

توجه کنیم که هر عملی از دو جزء تشکیل شده است؛ اول: **نیت** که به آن هدف یا قصد نیز می‌گوییم.

A

دوم: **شكل و ظاهر عمل**.

B

قصد و نیت به منزله روح عمل است و **شكل عمل** نیز در حکم بدن و کالبد آن روح می‌باشد. بنابراین، عمل بدون نیت، کالبد بی‌جانی بیش نیست.



صفحه ۴۴ کتاب درسی - حدیث

به همین جهت رسول خدا (ص) می‌فرماید: «نَيْتُ الْمُؤْمِنُ خَيْرٌ مِّنْ عَمَلِهِ»

پیام حدیث نیت به منزله روح عمل است و بدون نیت، عمل کالبدی بی‌جان است.



صفحه ۴۴ کتاب درسی - حدیث

همانا اعمال انسان وابسته به نیت‌های اوست.

و نیز به خاطر همین جایگاه مهم و ارزشمند نیت است که ایشان فرمود: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِإِلَيْتَاتِ»

پیام حدیث نیت عمل آن قدر ارزش والایی دارد که همه اعمال بسته به نیت‌های ارشادی می‌شوند.

صفحه ۴۴ کتاب درسی - حدیث

امیر المؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «فَاعِلُ الْخَيْرِ، حَيْرَ مِنْهُ؛ وَفَاعِلُ الشَّرِّ، شَرِّ مِنْهُ» انجام‌دهنده کار نیک، از آن کار بهتر است و انجام‌دهنده کار شر، از آن شر بدتر است.

پیام حدیث نیت آن قدر مهم و ارزشمند است که حتی اگر عمل خیری با نیت شر انجام گیرد، نزد خداوند جایگاهی ندارد؛ در واقع این نیت‌ها هستند که معیار ارزش‌گذاری اعمال می‌باشند.

! ① رابطه این سخن از امام علی (ع) با موضوع اخلاص این است، از آنجا که هر کار خیری برآمده از اندیشه و باور قلبی خالصانه فاعل آن است، پس می‌توان گفت که در حقیقت این اندیشه و باور خالصانه فرد است که به کارش ارزش داده است پس جایگاه خود فرد نیکوکار از عملش برتر است، به عبارت دیگر این اندیشه و باور خالصانه آن فرد است که باعث می‌شود کار خیر انجام شود.

! ② در نقطه مقابل نیز باید گفت از آنجا که عمل شر برآمده از اندیشه ناسالم و قلب گنه‌کار و غیر خدایی فرد است پس فرد شرور بدتر و پست‌تر از عملش است؛ زیرا اگر این اندیشه و قلب ناسالم نبود، این عمل شر هم صورت نمی‌گرفت.

۴ ارتباط دو حدیث قبل از پیامبر (ص) و نیز حدیث امام علی (ع) هر سه با هم در ارتباط بوده و به موضوع اهمیت و ارزش نیت اشاره دارند.

صفحه ۴۵ کتاب درسی - متن کتاب

 انسان مؤمن، علاوه بر اینکه می‌کوشد **نیت خود** را خالص کند و عمل را به خاطر خدا انجام دهد، تلاش می‌کند عمل را به همان صورت که **حسن فاعلی** داشته باشد.

خداآند دستور داده است انجام دهد. یعنی عمل را از جهت کمیت، کیفیت، زمان، مکان و شیوه همان طوری انجام دهد که خداوند می‌خواهد. **حسن فعلی**

پرسش

خارج ۹۸

۱۳ حسن فعلی مرتبط با کدام مورد است و وجود آن به چه معناست؟

- ۱) کمیت عمل - کار با صحت و مطابق فرمان خدا انجام شده است.
- ۲) کمیت عمل - کار خالصانه و بدون شرک و ریا انجام شده است.
- ۳) قصد فرد - کار با صحت و مطابق فرمان خدا انجام شده است.
- ۴) قصد فرد - کار خالصانه و بدون شرک و ریا انجام شده است.

پاسخ ۱ حسن فعلی مربوط به ظاهر و کمیت عمل است و بدین معناست که کار به درستی و به همان صورت که خداوند فرمان داده است، انجام شود.

صفحه ۴۵ کتاب درسی - متن کتاب

مثال برای حسن فعلی: اگر خداوند امر فرموده که نماز صبح در دو رکعت و با یک رکوع و دو سجده در هر رکعت و قبل از طلوع آفتاب انجام شود، انسان مؤمن نیز تلاش می‌کند نماز خود را به همین صورت انجام دهد تا صحیح و درست انجام داده باشد.

 پس در هر عملی باید **دو «حسن»** موجود باشد: **حسن فاعلی** و **حسن فعلی**. حسن فاعلی بدین معناست که انجام‌دهنده کار، دارای **نیت الله** باشد. حسن فعلی نیز بدین معناست که کار به درستی و به همان صورت که خدا فرمان داده است انجام شود.

براساس مطالب فوق می‌توان گفت در سبک زندگی توحیدی:

۱ اگر فردی تنها برای لاغر شدن و یا سلامت جسم روزه بگیرد، روزه اش صحیح نیست و پاداش الهی ندارد، چون به نیت قرب الهی انجام نشده و فاقد حسن فاعلی است.

۲ اگر کسی به نیت نماز جماعت مسجد از منزل بیرون آید و به دلیل مانع نتواند به مسجد برسد، نزد خدا پاداش دارد به دلیل اینکه با نیت الهی (حسن فاعلی) اقدام کرده و به خاطر مانعی که خارج از اختیار او بوده، کار را انجام نداده، لذا پاداش می‌گیرد.

۳ حضور در نماز جماعت اگر به نیت جلب رضایت الهی باشد، مصدق اخلاص و اگر جنبه خودنمایی و ظاهرسازی داشته باشد، مصدق عمل فاقد حسن فاعلی و ریا است.

۴ کمک به افراد نیازمند در حضور دیگران اگر به نیت رضایت خداوند باشد، حتی به صورت علنی، مصدق اخلاص است و چه بسا اگر سایرین را به این کار تشویق کند، اجر مضاعف می‌گیرد ولی اگر از روی خودنمایی باشد، مصدق عینی ریا است.

۱ ریا در مقابل اخلاص قرار می‌گیرد و عمل نیکوبی است که حسن فعلی داشته ولی حسن فاعلی ندارد.

۲ جهل، عملی است که دارای حسن فاعلی بوده ولی حسن فعلی ندارد.

پرسش

۱۴ با تدبیر در آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُّكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى» کدام واژگان آیه به ترتیب بر «حسن فعلی» و «حسن فاعلی» دلالت دارند؟

راههای تقویت اخلاص

برای تقویت اخلاص در وجود خود، راههایی وجود دارد که چند مورد از آن‌ها را در اینجا می‌آوریم:

۱- افزایش معرفت نسبت به خداوند

صفحه‌های ۴۵ و ۴۶ کتاب درسی - متن کتاب

پیوند محکمی میان معرفت به خداوند و ایمان به او وجود دارد. همچنین ارتباط دقیقی میان ایمان به خدا و اخلاص برقرار است. بنابراین،

هر قدر که معرفت ما به خداوند بیشتر شود، به افزایش درجه اخلاص کمک خواهد کرد:

افزایش معرفت الهی ▶ افزایش ایمان به خدا ▶ افزایش درجه اخلاص
پس خوب است ساعاتی را صرف تفکر در آیات و نشانه‌های الهی کنیم تا بیشتر دریابیم که:

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب بردر و دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

پیام‌شعر تفکر در آیات الهی موجب افزایش معرفت و در نتیجه افزایش ایمان و اخلاص می‌شود. البته اگر کسی گرفتار غفلت شد و چشم اندیشه را به روی جهان بست، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داد.

مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان هر دو عالم پُر ز نور و دیده نابینا، چه سود

پیام‌شعر غفلت از آیات الهی موجب ضعف ایمان و دوری از اخلاص می‌شود.

عمل براساس معرفت و آگاهی بسیار ارزشمندتر و مقدس‌تر از عملی است که در آن معرفتی نیست و یا با معرفت اندکی صورت می‌گیرد.
حتی گاه پیش می‌آید که انسان‌های نادان به تصور اینکه کار خیر می‌کنند، **مرتکب گناهان بزرگ** می‌شوند. (مصدق جهل)



هنر ۹۷ با تغییر

| ۵ بیت زیر با کدام عبارت در مسیر رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص تناسب مفهومی دارد؟

هردو عالم پرز نور و دیده نایینا چه سود «

۱) راز و نیاز با خداوند، محبت او را در قلب تقویت و انسان را از امدادهای غیبی بهره‌مند می‌نماید.

۲) به هر میزان که معرفت و ایمان انسان به خداوند بیشتر شود، انجیله او برای پرستش و بندگی افزایش می‌یابد.

۳) ترک گناه و توجه به واجبات و اطاعت از خداوند، درخت اخلاص را آبیاری می‌کند و رشد می‌دهد.

۴) اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب و سوشه‌های شیطان را نمی‌خورد.

۲- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او



صفحه ۴۷ کتاب درسی - متن کتاب

نیایش و عرض نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او برای رسیدن به اخلاص:

علت

غفلت از خداوند را کم می‌کند.

معلول

محبت او را در قلب تقویت می‌سازد.

انسان را بهره‌مند از کمک‌های الهی می‌نماید.



پرسش

| ۶ دعا و نیایش به درگاه الهی چگونه موجب بهره‌مندی انسان از امداد الهی می‌شود؟

۳- دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات



صفحه ۴۷ کتاب درسی - متن کتاب

گناه، ریشه درخت اخلاص و بندگی را می‌سوزاند و آن را به تدریج از بین می‌برد.



صفحه ۴۷ کتاب درسی - حدیث

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «تمام اخلاص در دوری از گناهان جمع شده است.»

تأکید بر ضرورت دوری از گناه در جهت افزایش اخلاص.

پیام حدیث



صفحه ۴۷ کتاب درسی - متن کتاب

از طرف دیگر، توجه به واجبات، درخت اخلاص را آبیاری می‌کند و رشد می‌دهد. در میان اعمال واجب، روزه تأثیر خاصی در تقویت اخلاص دارد.



صفحه ۴۷ کتاب درسی - حدیث

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «خداوند بدان جهت روزه را واجب کرد تا اخلاص مردم را بیازماید.»



پیام حديث ۱ توجه به واجبات الهی، مانند روزه، اخلاص را در وجود آدمی تقویت می‌کند.

۲ این حدیث علت وجود روزه را سنجش اخلاص می‌داند.

میوه‌های درخت اخلاص



۱- دستیابی به درجاتی از حکمت

اولین نتیجه اخلاص



صفحه ۴۷ کتاب درسی - متن کتاب

حکمت، به معنای علم محکم و استوار و به دوراز خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن رانشان می‌دهد و مانع لغزش‌ها و تباہی‌ها می‌شود.

C

B

A

علت C و B، A

انسان حکیم، به درجاتی از بصیرت و روشن‌بینی می‌رسد که می‌تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار

علت

باطل نشود.

معلول



صفحه ۴۷ کتاب درسی - حدیث

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کس چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، چشممه‌های حکمت از قلبش بروز بشان جاری تدریجاً خواهد شد.»



پرسش

۲| شناسایی هدف و راه رسیدن به آن و عدم لغزش در پرتو کدام ثمرة اخلاص در بندگی برای انسان حاصل می‌شود؟

۲- نفوذناپذیری در برابر سوسه‌های شیطان



صفحه‌های ۴۷ و ۴۸ کتاب درسی - متن کتاب

اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب و سوسه‌های شیطان را نمی‌خورد چراکه شیطان، خود اقرار کرده است که توانيای فریب دادن مؤمنان با اخلاص را ندارد.

برو این دام بر مرغی دگرنزه که عنقا را بلند است آشیانه

مؤمن با اخلاص مانند عنقا در بلندترین نقطه، آشیانه دارد و از دام صیادان در امان است.

یکی از اوصافی که خداوند در قرآن برای حضرت یوسف (ع) ذکر کرده، داشتن اخلاص و رسیدن به مقام مخلصین است:



صفحه ۴۸ کتاب درسی - یوسف، ۳۲ تا ۳۴

[زلیخا] گفت: این همان است که درباره او سرزنشم می‌کردید. آری، من از او کام خواستم و او خود را نگه داشت و اگر آنچه را به او دستور می‌دهم نکند، قطعاً زندانی خواهد شد و حتماً از خوارشیدگان خواهد گردید.

[یوسف] گفت: پروردگار، زندان برای من دوست‌داشتنی تراست از آنچه مرا به آن می‌خوانند

◀ مصداقی از نفوذناپذیری در برابر سوسه‌های شیطان

قالَتْ فَذِلِكُنَّ الَّذِي لُمِّشَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدَتْهُ عَنْ نَفْسِهِ فَأَسْتَعْصَمْ

گوینده = زلیخا / مخاطب = زنان بزرگان مصر

وَلَئِنْ لَمْ يَقْعُلْ مَا أَمْرَهُ لَيُسْجَنَّ وَلَيُكَوَّنَ مَمَّا الصَّاغِرِينَ

راز و نیاز و کمک خواستن از خدا از راه‌های افزایش اخلاص

قالَ رَبِّ السَّاجِنَ أَخْبُرْ إِلَيْ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ

گوینده = یوسف (ع) / مخاطب = پروردگار

و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی، به سوی آن‌ها خواهم گرایید
و از نادانان خواهم شد.

پس پروردگارش خواسته‌اش را اجابت کرد و نیرنگ زنان را از او بگردانید؛
زیرا خدا شنوا و داناست.

و إِلَّا تَصْرِفَ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبَحَ إِلَيْهِنَّ
وَأَكُنْ مَنَّ الْجَاهِلِينَ

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَّفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ
إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

- پیام آیات** ۱ توجه و درخواست حضرت یوسف (ع) از خداوند و پنهان بردن به سوی او، باعث نجات وی از حیله و کید زنان مصری شد.
۲ زلیخا همسر عزیز مصر از یوسف نبی (ع)، درخواست مراوده و رابطه‌ای بر مبنای هوس کرد، ولی یوسف (ع) پاکدامنی را برگزید و حتی در برابر تهدید زلیخا مقاومت کرد و به زندان رفت و زندان را برگناهکاری ترجیح داد، این خود شاهدی بر اخلاص بالای حضرت یوسف (ع) است.

ارتباط این آیات و داستان حضرت یوسف (ع) با بیت «برو این دام بر مرغی دگرنه...» ارتباط دارد.

صفحه ۴۸ کتاب درسی - متن کتاب

سؤال: شیطان چه دامی برای حضرت یوسف (ع) گستردۀ بود و او چگونه از این دام نجات یافت؟

پاسخ: از طریق زیبا و لذت‌بخش نشان دادن گناه (شهوت)، سعی در فریب یوسف (ع) داشت ولی او با راز و نیاز و کمک خواستن از خدا «رَبِّ الْسِّجْنِ...» که راه افزایش اخلاص بود خود را نجات داده و خود را مزین به میوه نفوذناپذیری در برابر شیطان کرد.

شیطان امروزه نیز، از همان نوع دامی که برای کشاندن حضرت یوسف (ع) به گناه و فساد گستردۀ بود، به صورت‌های گوناگون برای انسان‌ها پنهن کرده است تا هوس زودگذران‌ها را تحریک کند و به گناه بکشاند و آنان را از بهشت جاویدان محروم سازد. فیلم‌ها، وبگاه‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای گمراه‌کننده، شبکه‌های مجازی ناسالم و گروه‌ها و دسته‌های منحرف اجتماعی از جمله این دام‌هast که مقاومت در برابر آن‌ها نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست.

B A

کسی که در چنین دام‌هایی گرفتار شود، هم زندگی پاک و بانشاط دنیا را از دست خواهد داد و هم حیات سرشار از شادکامی آخert را.

معلول ۲

علت ۱ و ۲

۳- دریافت پاداش‌های وصفناشدنی

صفحه ۴۸ کتاب درسی - متن کتاب

بندگی خالصانه خداوند ثمراتی دارد که چه بسا در ذهن ما نگتجد و از تصور و تخیل ما فراتر رود.

از جمله این پاداش‌های وصفناشدنی، دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه کسی است که بنا بر تعبیر امیرمؤمنان (ع) «نهایت آرزوی عارفان، دوست دل‌های صادقان، ولی مؤمنان و معبد عالمیان» است.

کافی است به زندگی زیبای رسول خدا (ص)، امیرالمؤمنین علی (ع)، فاطمه زهرا (س) و دیگر پیشوایان خود نظر بیفکنیم و ببینیم که چگونه از راه بندگی خالصانه خدا، این همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را به دست آورده‌اند.

قدرت پرواز



در این درس با اختیار به عنوان یک حقیقت وجودی و شوahد وجود آن آشنا می‌شویم و این درس، پس از بیان زمینه‌های شکوفایی اختیار رابطه آن با نظام حاکم بر هستی و اراده خداوند، مسئولیت سرنوشت و سعادت یا شقاوت انسان مختار را بعهده خودش می‌داند.

مقدمه



صفحه ۵۲ کتاب درسی - متن کتاب

در این درس، به بررسی و پاسخ این سؤال‌ها خواهیم پرداخت که: با توجه به اینکه همه رخدادهای جهان، تحت قوانین و تدبیر خداوند توحید درربویت (درس ۲ - دوازدهم)

است، نقش اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟ آیا این قوانین مانع اختیار انسان است یا بستری مناسب برای شکوفایی آن؟

در این نظام که با اراده الهی اداره می‌شود، جایگاه اراده انسان کجاست؟ آیا اراده الهی مانع اراده انسان است؟

توحید درربویت (درس ۲ - دوازدهم)

قدرت پرواز = اختیار



اختیار، حقیقتی وجودی و مشهود



صفحه ۵۳ کتاب درسی - متن کتاب

به تفاوت اساسی حرکات و افعال در مثال‌های زیر دقت کنید:

حرکات قلب برای گردش خون **اختیاری** نیست.
حرکت و لرزش دست بر اثر بیماری

حرکات پا هنگام قدم زدن **اختیاری و تابع اراده انسان** است.
حرکت دست برای غذا خوردن

اختیار، که به معنای توانایی برانجام یک کار و یا ترک آن است، یک **حقیقت وجودی** است و هر انسانی آن را در **خود می‌یابد** و می‌بیند که شباهنگ در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.

حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث **انکار** می‌کند، در عمل از آن **بهره** می‌برد و آن را اثبات می‌کند.

مولوی این وجودی و مشهود بودن اختیار را در قالب یک مثال این‌گونه یادآوری می‌کند:

می‌فشدند او میوه را دزدانه سخت
از خدا شرمت، بگو چه می‌کنی؟
نشانه اعتقاد داشتن صاحب باغ به اختیار است.

آن یکی بر رفت بالای درخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دنی

می‌خورد خرما که حق کردن خدا
بیانگر انکار اختیار در بحث از جانب دارد.

گفت: از باغ خدا بندۀ خدا

می‌زدش بر پشت و پهلو چوب سخت
می‌گشی این بی‌گنه را زار زار

پس ببستش سخت آن دم بر درخت
گفت: آخر از خدا شرمی بدار
نشانه بهره بدن از اختیار در عمل از سوی دزد است.

می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش
من غلام و آلت فرمان او
اختیار است، اختیار است، اختیار

گفت: کز چوبِ خدا این بنده‌اش
چوبِ حق و پشت و پهلو، آن او
گفت: توبه کردم از جبرای عیار

پیام شعر دزد در این داستان با برداشت ناصحیح از توحید مالکیت و ریوبیت می‌خواهد مسئولیت کار خود را نپذیرد (نفی اختیار) اما بعد از مواجهه با مجازات می‌فهمد که تصمیم‌های ما تعیین‌کنندهٔ عاقبت و سرنوشت ماست (پس اختیار در عمل قابل انکار نیست).

البته باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم. به عنوان مثال، هیچ یک از ما در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود، مانند دستگاه گوارش و یا گردش خون و همچنین در قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون

B

A

جاذبه زمین، توالی فصل‌ها و ... نقشی نداریم و این امور خارج از اختیار ما و به صورت طبیعی انجام می‌شود. در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده سرنوشت ماست

B

A

پرسش

تجربی ۹۸

۱۱) **ویژگی ذاتی انسان کدام است و این ویژگی با اراده خداوند چه رابطه‌ای دارد؟**

- ۱) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.
- ۲) برمبنای تقديرالهي او در همه امور زندگی مختار است - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.
- ۳) برمبنای تقديرالهي او در همه امور زندگی مختار است - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.
- ۴) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.

شواهد وجود اختیار



با وجود روشن بودن اختیار و بی‌نیازی آن از استدلال، همهٔ ما شواهدی بر وجود آن را در خود می‌یابیم که عبارت‌اند از:

۱- تفکر و تصمیم



صفحه ۵۴ کتاب درسی - متن کتاب

هر کدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا **اندیشه** می‌کنیم و جواب آن را می‌سنجدیم، سپس **دست به عمل** می‌زنیم. گاهی نیز **دچار تردید** می‌شویم که از میان چندین کار، کدام یک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی را برگزیده و عمل می‌کنیم (اختیار ناشی از **تعقل** است).

خود دلیل اختیار است ای صنم

اینکه فردا این کنم یا آن کنم

پیام شعر تفکر و تصمیم از شواهد وجود اختیار است.



۲- احساس رضایت یا پشیمانی



صفحه ۵۴ کتاب درسی - متن کتاب

هرگاه در کاری موفق شویم، **احساس رضایت و خرسندي** وجودمان را فرامی‌گیرد. این **احساس رضایت** نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم عاقلانه خود می‌دانیم. گاهی نیز در کاری مرتكب اشتباہ می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم. در این هنگام **احساس ندامت و پشیمانی** می‌کنیم و با خود می‌گوییم ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم. این **احساس ندامت** نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشتمام. (توبه (درس ۷ - دوازدهم) و نفس لؤامه (درس ۲ - دهم) در تعالیم دینی از این طریق با اختیار ارتباط دارد).

این دریغ و خجلت و آزم چیست?
گرنبودی اختیار این شرم چیست?
ز اختیار خویش گشته مهتدی
وان پشیمانی که خوردی زان بدی

پیام شعر احساس رضایت یا پشیمانی از شواهد وجود اختیار است.

۳- مسئولیت‌پذیری



صفحه‌های ۵۴ و ۵۵ کتاب درسی - متن کتاب

هرکدام از ما **خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم**. به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده‌ایم، آن را **جبران** می‌کنیم. عهدها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین، اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد، خود را مستحق مجازات می‌داند.

ورنیایی من دهم بَد را سزا!
هیچ گویی سنگ را فردا بیا
هیچ با سنگی عتابی کس کند؟
هیچ عاقل مرکلوخی را زند؟

پیام شعر مسئولیت‌پذیری از شواهد وجود اختیار است.

خدای متعال، متناسب با همین قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاسگزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد و مسیر شقاوت را بپیماید:



صفحه ۵۵ کتاب درسی - انسان، ۳

◀ مختار بودن انسان در پذیرش راه هدایت و یا رد آن

ما راه [رستگاری] را به او نشان دادیم، خواه سپاسگزار باشد و خواه ناسپاس.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ الشَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا
آزادی

پیام آیه ۱ انسان در قبول یا رد هدایت الهی مختار است؛ یعنی با تفکر و تصمیم یکی از دو راه شکرگزاری یا کفر را انتخاب کرده و نسبت به عواقب آن مسئولیت دارد.

پیام آیه ۲ انسان در چهارچوب قوانین هستی (قدر و قضا) حق انتخاب دارد.

پیام آیه ۳ آیه اشاره به هدایت تشريعی و توحید ربویت دارد. (درس ۱ - یازدهم و ۲ - دوازدهم)



صفحه ۵۵ کتاب درسی - انعام، ۱۰

◀ مختار بودن انسان در پذیرش رهنمودهای الهی

به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگاران به سوی شما آمده است.

قد جاءَكُمْ بِصَائِبُرٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ
[ارادة الهی]
توحید در ربویت (درس ۲ - دوازدهم)

پس هر کس که بیناگشت، به سود خود او

فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفِسِهِ
[ارادة انسانی]

و هر کس کور دل گردد، به زیان خود اوست ...

وَمَنْ عَمِيَ، فَلَعْلَيْهَا ...
[سود و زیان به خود انسان برمی‌گردد.]

پیام آیه ۱ انسان در قبول یا رد رهنمودهای الهی مختار است؛ یعنی با تفکر و تصمیم دلایل روش را پذیرفته یا رد می‌کند و نسبت به عاقب آن مسئولیت دارد.

۲ لازمهٔ پذیرش رهنمودهای الهی بصیرت و چشم دل است.

۳ ثمرةٌ پذیرش دلایل روش الهی به خود انسان برمی‌گردد.

ارتباط با آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِراً وَ إِما كَفُوراً» از باب وجود اختیار در انسان و انتخاب راه هدایت و یا ضلالت ارتباط دارد و با آیه «ذلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَالٍ لِلْعَبَيدِ» از باب وجود اختیار در انسان و پذیرش ثمرة اعمال نیز ارتباط دارد.



صفحه

۵۵

كتاب درسي

- آل عمران، ۱۸۲

◀ مختار بودن انسان و پذیرش ثمرة اعمال

ذلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ

وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَالٍ لِلْعَبَيدِ

این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست
[و نیز به خاطر آن است که] خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.

پیام آیه ۱ گرفتار شدن به عذاب و آتش دوزخ گناهان برای انسان، اختیاری و به دست خود او است.

۲ کیفرهای الهی ظلم خدا نیست، زیرا خداوند عادل است.

۳ عقوبت الهی به خاطر کردار پیشین انسان‌ها است.
[و اینکه خداوند هرگز ستم نمی‌کند]

ارتباط با آیه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّنْ أَبْصَرَ فَلَنْفِسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ، فَعَلَيْهَا ...» و آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِراً وَ إِما كَفُوراً» از باب وجود اختیار در انسان ارتباط دارد.



پرسش

۱ در راستای تبیین شواهد مفهوم مندرج در آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِراً وَ إِما كَفُوراً» به کدام بیت می‌توان تمسک جست؟

عمر دو بایست در این روزگار
که عنقا را بلند است آشیانه
هر چیز که در جستن آنی، آنی
هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

۱) مرد خردمند هنرپیشه را

۲) برو این دام بر مرغی دگرنیه

۳) این نکتهٔ رمز اگر بدانی، دانی

۴) هیچ عاقل مرکلوخی را زند؟

قانونمندی جهان، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار



صفحه ۵۵ کتاب درسي - متن کتاب

خداؤند، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و در مسیر رشد و کمال تا آنجا پیش برویم که جز خداوند، کسی به عظمت آن آگاه نیست.

سؤال: در جهانی زندگی می‌کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است (قانونمند است)؛ پس در این صورت، آیا قدر و قضای الهی مانع اختیار ما نیست؟

پاسخ: خیر؛ این قوانین زمینه‌ساز شکوفایی اختیار و بستری برای بهره‌مندی از آن است؛ کمی جلوتر، به توضیح بیشتر می‌پردازیم.

قدر و قضای الهی



صفحه ۵۶ کتاب درسی - متن کتاب

- «قدّر» و «قدّر» به معنای «اندازه» است و «تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن». «قضای الهی» نیز به معنای «به انجام رساندن»، «پایان دادن»، «حکم کردن» و «حتمیت بخشیدن» است. مخلوقات جهان از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، مقدّر به تقدیر الهی هستند و از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند.
- سؤال:** اینکه می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به چه معناست؟
- پاسخ:** به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست (قدر) و اجرا و پیاده‌کردن آن نیز به اراده خداست (قضای). به همین دلیل، نه در نقشه جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.
- حال با توجه به معنای قدر و قضای الهی قرار نداشت (قانونمند نبود)، نمی‌توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم، با اختیار خود دست به انتخاب بزنیم و در این جهان کار و فعالیت کنیم. از این رو فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد.
- زیرا اگر وقایع جهان قانونمند نبود و همه چیز اتفاقی رخ می‌داد، انسان نمی‌دانست باید دست به چه انتخابی بزند.
- مثال:** آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست. یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با این ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنگی شود.
- اما اگر کسی این تقدیرها را نبیند و نظم فعلی جهان را یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر بداند و واقعاً بخواهد همین نگاه (اتفاقی بودن نظم جهان) را مبنای عمل خود در زندگی قرار دهد، توانایی کار و فعالیت در جهانی بی‌نظم برای او وجود ندارد و در واقع در جهان اتفاقی و بی‌نظم، امکان استفاده از اختیار وجود ندارد و اصولاً اختیار بی‌معنی است.
- جمع‌بندی مبحث قدر و قضای الهی**
- ❶ **علم و حکمت الهی (قدر):** نقشه - حدود و اندازه - طول و عرض - زمان و مکان - کیفیت‌ها - رابطه‌ها - تعیین (مقدار سرشمه قدر به تقدیر)
 - ❷ **قررت و اراده الهی (قضای):** پیدایش و خلق - اجرا - حتمیت و قطعیت - حکم و فرمان - امر - تحقق - ایجاد (مقضی به قضای سرشمه قضای)
 - ❸ **شناخت و معرفت** به تقدیرها موجب وسعت اختیار می‌شود. (مثلًا وقتی قوانین و ویژگی‌های دریا را شناختند، توانستند با کشتی، معرفت به تقدیر علت/متیوع زیردریایی و ... از دریا بهره بگیرند.)
 - ❹ **هر قضایی متکی** به تقدیر است.



پرسش

۱۳ | اگر بگوییم مخلوقات جهان، مقدار به تقدیر الهی هستند، به کدام موضوع اشاره کرده‌ایم؟

اصلاح یک پندار



صفحه ۵۷ کتاب درسی - متن کتاب



برخی از پندارهای نادرست پیرامون قدر و قضای الهی:

۱) قدر و قضای الهی با اختیار انسان ناسازگار است.

۲) تقدير، چيزی وrai قانونمندی جهان ونظم در آن است.

۳) تقدير وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هرنظمی را برهم می‌زند.

معنای صحیح قدر و قضای الهی این است که:

۱) هر چیزی مهندسی و قاعدة خاص خود را دارد که این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

۲) بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

روزی امیرمؤمنان علی (ع) با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشسته بودند. آن حضرت متوجه کجی و سستی دیوار شد و برای اینکه مبادا دیوار روی او و یاران خراب شود، از آنجا برخاست و زیر سایه دیوار دیگری نشست.

تقدير

قضایا

یکی از یاران به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی؟»

صفحه ۵۷ کتاب درسی - حدیث



امام (ع) فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

پیام حدیث يعنى از نوعی قضا و قدر الهی، به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می‌برم.

ایستادگی دیوار بر اثر محکمی

خرابی بر اثر سستی



صفحه ۵۷ کتاب درسی - متن کتاب

برداشت نابه جای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین، حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است. اما امیرالمؤمنین (ع) با رفقار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قدر و قضای الهی را نشان داد و به آن شخص

B A

و دیگران آموخت که اعتقاد به قدر و قضایا، نه تنها مانع تحرك و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن (حرکت و عمل) است.در واقع، فرو ریختن دیوار کج یک قضای الهی است، اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدير خاص آن دیوار، يعنى كجی آن است. اما اگردیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلًا محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدير و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تری می‌زند. بنابراین، جهان آفرینش مجموعه‌ای از قدر و قضای الهی است

C B A

و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین‌ها را انتخاب کند.

قدر و قضایاهای متفاوت، صحنه بروز و ظهور اختیار انسان است.



پرسش



حضرت علی (ع) با بیان جمله «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» چه مطلبی را به یارانش آموزش دادند؟

اختیار انسان، یک تقدیر الهی



صفحه‌های ۵۷ و ۵۸ کتاب درسی - متن کتاب

وقتی از **تقدیر** جهان به وسیله خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این‌ها ساده‌ترین و آشکارترین **تقدیرها** هستند. **تقدیر الهی** شامل همهٔ **ویژگی‌ها**، **کیفیت‌ها**، **کمیت‌ها** و **کلیه روابط میان موجودات** می‌شود.

۱ اینکه آب در چه درجه‌ای به جوش می‌آید،

۲ اینکه تعداد الکترون‌های هر عنصر چه تعداد می‌باشد،

۳ اینکه ماه در کدام مدار دور زمین گردش می‌کند،

۴ اینکه بدن انسان از چه اعضاًی تشکیل می‌شود،

۵ اینکه هر عضوی کدام کار را انجام می‌دهد،

همگی از **تقدیرات الهی** هستند.

یکی از **تقدیرات الهی** برای انسان این است که او **دارای اختیار** باشد؛ یعنی خداوند همان‌طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.

به تعبیر دیگر، خداوند این‌گونه تقدیر کرده که انسان کارهایش را **با اختیار انجام دهد** و کسی نمی‌تواند از اختیار که **ویژگی ذاتی** اوست،

رابطه طولی - حاکی از تقدیر

فرار کند؛ حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و ارادهٔ خود انجام داده است.

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند



صفحه ۵۸ کتاب درسی - متن کتاب

در اینجا ما با یک مسئلهٔ دیگر روبه‌رو می‌شویم و آن مسئله این است که: چگونه می‌توان هم به قضا و ارادهٔ الهی اعتقاد داشت و گفت همهٔ کارها با ارادهٔ خداوند انجام می‌شود و هم انسان را موجودی مختار دانست که کارهایش را با ارادهٔ خودش انجام می‌دهد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا با علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بیشتر آشنا شویم. این علل، بردو دسته‌اند:

۱- عل عرضی



صفحه ۵۸ کتاب درسی - متن کتاب

مشارکت / مستقل از دیگری / نقش مستقیم و متفاوت

در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر **مشارکت** کنند. مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه‌ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند. یا مثلاً وقتی دو نفر دسته‌های یک گلدان بزرگ را می‌گیرند و جایه‌جا می‌کنند، هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می‌کنند که باعث جایه‌جایی گلدان می‌شود. در هر دو مثال، هر یک از این عوامل و عناصر، اثر خاصی را **مستقل از دیگری** اعمال می‌کنند تا گل بروید یا گلدان جایه‌جا شود. این‌گونه علل را «عل عرضی» می‌گویند. در علل عرضی، هر عامل به طور **مستقیم** نقش خاصی را برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

۲- عل طولی



صفحه‌های ۵۸ و ۵۹ کتاب درسی - متن کتاب

تأثیر و تاثیر / شدت و ضعف

گاهی **تأثیر** چند عامل در پیدایش یک پدیده این‌گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلوم منتقل کند.

برای مثال، به هنگام نوشتن، چند عامل در طول هم در انجام این کار دخالت دارند:

نفس یا روح که اراده نوشتن می‌کند؛

ساختر عصبی بدن که با اراده نفس، موجب حرکت دستمنان می‌شود؛

دست که قلم را به حرکت درمی‌آورد؛

قلم که با حرکت خود در صفحه جملات را می‌نگارد.

کل کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می‌توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هر یک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی‌شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از **عامل بالاتر** می‌گیرد. قلم می‌نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه خود محصول کار دستگاه عصبی است. این کار هم ناشی از اراده‌های است که برآمده از نفس شماست. این علتها را «علل طولی» می‌گویند.

در مثال پیروش گل، **علت‌ها در عرض** هم قرار داشتند (در یک ردیف و هر کدام مستقل از دیگری بودند)، اما در مثال نوشتن، علتها در طول هم هستند (در یک ردیف نیستند بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی است).

پرسش

۵ در رابطه با علتها یکی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، کدام مورد در مقام بیان مفهوم علل طولی به کار رفته است؟

براضی [۴۰۰]

- ۱) علتها در یک ردیف و هر کدام مستقل از دیگری می‌باشند.
- ۲) هر یک از عوامل و عناصر، اثر خاصی را مستقل از دیگری اعمال می‌کند.
- ۳) علتها نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و مستقل نیستند.
- ۴) هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را بر عهده دارد و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی نیست.



صفحه ۹ کتاب درسی - متن کتاب

به عبارت دیگر، خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که ما به انجام دادن فعلی اراده نکردیم، آن فعل انجام نمی‌گیرد، در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سرمهی زند همگی **وابسته به اراده خداوند** است. یعنی اراده انسان در **طول اراده خداست** و با آن منافات ندارد.

۱) وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از **اراده الهی** و خواست خداست. (رابطه طولی)

علت

مطلوب

!

۲) قضای الهی و اختیار، هر دو در موفقیت‌ها و شکست‌ها نقش دارند.

درس
ششم
دوازدهم

سنّت‌های خداوند در زندگی

۶

در این درس با برخی از قانون‌های الهی که در زندگی فردی و اجتماعی ما وجود دارد (سنّت‌ها) آشنا می‌شویم و این درس، تنظیم روابط براساس این قوانین را موجب سعادت می‌داند.

مقدمه

صفحه ۶۴ کتاب درسی - متن کتاب

در درس قبل با حقیقت اختیار و رابطه آن با قضا و قدر الهی آشنا شدیم و دانستیم که قانونمندی حاکم بر جهان خلقت، **تجلى تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان** و به کارگیری اراده و اختیار اوست؛ در این درس با سنّت‌ها و قوانین الهی حاکم بر زندگی انسان آشنا شده و تأثیر این آشنایی در سبک زندگی را بررسی می‌کنیم.

سنّت‌های خداوند در زندگی

صفحه ۶۵ کتاب درسی - **انبیاء** ۱۳۵

◀ سنت ابتلاء و امتحان همه انسان‌ها با خیر و شر

هر کسی طعم مرگ را می‌چشد؛
و قطعاً ما شما را با شر و خیر می‌آزماییم
و به سوی ما بازگردانده می‌شوید.

كُلْ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ
نشانة عام بودن سنت
وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً
وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ
معاد

- پیام آیه ۱ انسان‌ها همواره با امور خیر و شر مورد آزمایش قرار می‌گیرند و به این وسیله، خوب و بد جدا می‌شوند. (امتحان عام الهی)
- ۲ امتحان الهی (ابتلائات) برای این است که روشن شود که ما نسبت به آن‌ها، چه تصمیمی می‌گیریم و چگونه عمل می‌کنیم؛ عمل درست، رشد و کمال و عمل غلط، عقب‌ماندگی و خسaran ما را به دنبال دارد.
- ۳ انسان را از مرگ، گریزی نیست (زندگی دنیوی جاوید نیست).
- ۴ زندگی و حیات محدود به دنیا نیست و زندگی اصیل و حقیقی ما در آخرت است.
- ۵ هرانسانی در زندگی خود همواره به وسیله امور **شروعه** یا **آزمایش** است. (امتحان عام الهی)

صفحه ۶۵ کتاب درسی - **عنکبوت**، ۲

◀ سنت ابتلاء و امتحان، خاص مدعیان ایمان

آیا مردم گمان کردند رها می‌شوند
همین که بگویند ایمان آوردیم؛ و آزمایش نمی‌شوند؟

أَحَسِبَ النَّاسُ أَنَّ يُتَكَوَّأُ
نشانة عام بودن سنت
أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفَتَّنُونَ

- پیام آیه ۱ ادعای ایمان موجب امتحان خاص الهی می‌شود. (پس این سنت دارای مراتب است.)
- ۲ هر کس ادعای ایمان کند، در **معرف امتحان خاص** قرار می‌گیرد. (امتحان خاص الهی)
- ۳ ارتباط حدیث «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْمِيزَانِ ...» از امام صادق (ع).



هر یک از اینان و آنان [دنیاطلبان و آخرت طلبان] را مدد می‌رسانیم از عطای پروردگار است. و عطای پروردگار [از کسی] منع نشده است.	معلوم	گلَّا نِمَدْ هُؤْلَاءِ وَ هُؤْلَاءِ نشانة عام بودن سنت من عطاء رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحظُورًا ◀ علت
---	---	---

- پیام آیه ۱** مردم در برابر دعوت انبیاء دوسته می‌شوند و خداوند امکانات و لوازم رسیدن به هدف‌های هردوگروه را یکسان فراهم می‌کند.
- ۲** رحمت واسعه الهی، به همه افراد جامعه چه نیکوکار و چه بدکار **مدد می‌رساند**. (امداد عام الهی)
- ۳** بیانگر توحید در روایت است. (درس ۲ - دوازدهم)

ارتباط آیات ۱۵ و ۱۶ سوره هود: «کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می‌دهیم و کم و کاستی نخواهند دید. اما اینان در آخرت جزآتش دوزخ ندارند و هر چه در دنیا کرده‌اند بر باد رفته و آنچه را که انجام می‌دهند، باطل است.» مصداقی از این آیه است.

وقتی لطف و امداد به هر دوگروه (حق و باطل، ابرار و اشرار، دنیاخواهان و آخرت طلبان) برسد، مربوط به سنت امداد عام الهی است.



و کسانی که در راه ما جهاد [و تلاش] کنند حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم و در حقیقت خداوند با نیکوکاران است.	وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سَبِّلُنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ
---	--

- پیام آیه ۱** لازمه رسیدن به توفیق الهی، تلاش و مجاهده خود انسان است.
- ۲** اگر عمل و تلاش برای خدا باشد (حسن فاعلی)، نتیجه بخش و ارزشمند است.
- ۳** یکی از جلوه‌های توفیق، نصرت و هدایت خداوند به دنبال تلاش و مجاهدت است.
- ۴** کسی که خالصانه در مسیر بندگی تلاش کند، خداوند او را به راه راست هدایت می‌کند.
- ۵** خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند، به طور خاص **امداد و هدایت** می‌کند. (امداد خاص الهی)



و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد، از آن راه که نمی‌دانند، و به آن‌ها مهلت می‌دهم همانا تدبیر من استوار است.	وَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدِرُّهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ سنت مخفی الهی (از راه نامعلوم) وَ أَمْلَى لَهُمْ أَنَّ كَيْدِي مَتَّبِّنٌ
--	--

- پیام آیات ۱** سنت خاص حاکم برزنده تکذیب‌کنندگان، دادن مهلت همراه با افزودن امکانات است تا اصار خودشان در فساد فروزنده.
- ۲** براساس سنت املاء و استدراج، تکذیب آیات الهی موجب سقوط تدریجی و هلاکت ابدی می‌شود.
- ۳** قرار گرفتن در دایره سنت املاء و استدراج نتیجه عمل خود انسان است، لذا می‌توانیم بکوشیم که در دایره این سنت‌ها قرار نگیریم.
- ۴** سرانجام این تکذیب‌کنندگان مکر مخفیانه الهی است.
- ۵** برخی گناهکاران به دست خویش خود را در معرض هلاکت قرار می‌دهند و به **تدریج** گرفتار عذاب می‌شوند.

ارتباط حدیث «چه بسا احسان پیاپی خدا، کسی را گرفتار کند ...» از امام علی (ع)



◀ سنت سبقت رحمت بر غضب الهی

کسی که کار نیکی بیاورد ده برابر آن [پاداش] می‌گیرد و کسی که کار بدی بیاورد جز به اندازه آن کیفر نمی‌شود و برآنان ستم نمی‌شود.	من جاءَ بِالْخَيْرَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا معلول علت
	وَمَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجزَى إِلَّا مِثْلَهَا معلول علت
	وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
▪ پیام آیه ۱ خداوند هنگام پاداش با فضل و رحمت خود عمل می‌کند و به کار نیک ده برابر پاداش تعلق می‌گیرد. ▪ ۲ خداوند هنگام عقاب و جزا با عدل خود عمل می‌کند و به اندازه خود عمل مجازات می‌کند. ▪ ۳ خداوند پاداش کار نیک را چند برابر و کیفر کار بد را به اندازه خودش می‌دهد و این نشانه لطف و رحمت الهی است.	▪ پیام آیه ۱ خداوند هنگام پاداش با فضل و رحمت خود عمل می‌کند و به کار نیک ده برابر پاداش تعلق می‌گیرد. ▪ ۲ خداوند هنگام عقاب و جزا با عدل خود عمل می‌کند و به اندازه خود عمل مجازات می‌کند. ▪ ۳ خداوند پاداش کار نیک را چند برابر و کیفر کار بد را به اندازه خودش می‌دهد و این نشانه لطف و رحمت الهی است.
▪ ارتباط این آیه، مصداقی از آیه «پروردگار شما، رحمت را برو خود واجب کرده است». است؛ چون خداوند رحمت را برو خود واجب کرده، به کار نیک ده برابر پاداش می‌دهد.	▪ ارتباط این آیه، مصداقی از آیه «پروردگار شما، رحمت را برو خود واجب کرده است». است؛ چون خداوند رحمت را برو خود واجب کرده، به کار نیک ده برابر پاداش می‌دهد.
▪ مثال‌هایی که سبقت رحمت بر غضب هستند را توجه کنید که می‌تواند با آیه ۱۶۰ سوره انعام ارتباط داشته باشد.	▪ مثال‌هایی که سبقت رحمت بر غضب هستند را توجه کنید که می‌تواند با آیه ۱۶۰ سوره انعام ارتباط داشته باشد.



◀ سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، قطععاً برایشان می‌گشودیم برکاتی از آسمان و زمین ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم به [کیفر] آنچه مرتکب می‌شدند.	وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْيَةِ آمْنَوْا أَتَّقَوْا توصیف لَتَعْلَمَنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ثرمه وَلَكِنْ كَذَبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ توصیف ثمره بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
▪ پیام آیه مطابق با قانون الهی، آینده انسان براساس رفتار و عملکرد امروز او رقم می‌خورد.	▪ پیام آیه مطابق با قانون الهی، آینده انسان براساس رفتار و عملکرد امروز او رقم می‌خورد.
▪ ترکیب بادرس ۹ یازدهم آیه «ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» با توجه به آیه ۱۸۲ سوره اعراف، «وَالَّذِينَ كَذَبُوا بِإِيمَانِنَا سَنَسْتَدِرُ جُهَّمَ ...» و آیه ۹۶ همین سوره، «وَلَكِنْ كَذَبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ ...»، تأثیری که تکذیب آیات الهی در زندگی انسان دارد، گرفتاری به سنت املاء و استدرج است؛ در واقع بخش آخر آیه ۹۶ سوره اعراف به سنت املاء و استدرج اشاره دارد.	▪ ترکیب بادرس ۹ یازدهم آیه «ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» با توجه به آیه ۱۸۲ سوره اعراف، «وَالَّذِينَ كَذَبُوا بِإِيمَانِنَا سَنَسْتَدِرُ جُهَّمَ ...» و آیه ۹۶ همین سوره، «وَلَكِنْ كَذَبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ ...»، تأثیری که تکذیب آیات الهی در زندگی انسان دارد، گرفتاری به سنت املاء و استدرج است؛ در واقع بخش آخر آیه ۹۶ سوره اعراف به سنت املاء و استدرج اشاره دارد.

◀ سنت‌های الهی



دانستیم که براساس تقدیر الهی ، جهان خلقت قانونمند است و پدیده‌های آن در دایره قوانین خاصی مسیر تکاملی خود را می‌پیمایند. این قانونمندی اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را هم در بر می‌گیرد.	B A
قرآن کریم از این قوانین با عنوان سنت‌های الهی یاد کرده و مردم را به شناخت آن‌ها، به خصوص سنت‌های مربوط به زندگی انسان دعوت نموده است.	B A
▪ شناخت قوانین جهان خلقت از طریق علمی مانند فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی سبب آشنازی ما با نشانه‌های الهی و نیز بهره گرفتن می‌شود. اما شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب نگرش صحیح ما نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها، شکست‌ها و موقوفیت‌ها، بیماری و سلامت و به طور کلی همه حوادث زندگی می‌شود و دیدگاه ما را نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران ممتاز می‌سازد و بالاخره این شناخت در روابطمن با خدا، با خود، با خلقت و با دیگران تأثیر بسزایی دارد.	C B A
▪ از طبیعت می‌شود. اما شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب نگرش صحیح ما نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها، شکست‌ها و موقوفیت‌ها، بیماری و سلامت و به طور کلی همه حوادث زندگی می‌شود و دیدگاه ما را نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران ممتاز می‌سازد و بالاخره این شناخت در روابطمن با خدا، با خود، با خلقت و با دیگران تأثیر بسزایی دارد.	C B A

۱- سنت ابتلاء



صفحه ۶۸ کتاب درسی - متن کتاب

■ امتحان عام الهی

ابتلاء در لغت به معنای امتحان است و در اصطلاح دینی به معنای قرار دادن فرد در شرایط و موقعیتی است که صفات درونی خود را بروزد هد و درستی یا نادرستی آنچه را که ادعا کرده مشخص سازد. البته میان امتحان الهی و امتحان بشری تفاوت وجود دارد و آن این است که در امتحان بشری، مغالباً از حقیقت درون افراد بی خبرهستیم و می‌کوشیم تا از طریق امتحان کردن آن‌ها به آگاهی لازم بررسیم؛ ولی امتحان خداوند علیم برای آگاه شدن از درون افراد نیست، بلکه برای شدادن و به ظهور رساندن استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است.

B A

سنت ابتلاء عام‌ترین و فراغیرترین قانون خداوند است که ثابت و همیشگی است و شامل همه انسان‌ها در همه دوران‌ها می‌شود. هویت و شخصیت انسان‌ها با این ابتلات ساخته و شناخته می‌شود.

سؤال: کدام آیه ابتدای این درس، به این سنت اشاره دارد؟

پاسخ: «كُلْ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ...» (سوره انبياء / آیه ۳۵)



پرسش

۹۸ انسانی

۱۱ دستاورده سنت ابتلاء برای انسان چیست و کدام عبارت قرآنی به آن اشاره دارد؟

۱) نتیجه عمل انسان‌ها را مشخص می‌کند - «وَأُمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتَّبِعٌ»

۲) هویت و شخصیت انسان‌ها ساخته می‌شود و شناخته می‌گردد - «وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً»

۳) ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی شخص مؤمن می‌باشد - «سَنَسْتَدِرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ»

۴) خداوند امکانات و لوازم رسیدن به هدف‌های هر فرد را فراهم کرده است - «الْفَتَحَنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»



صفحه ۶۸ کتاب درسی - متن کتاب

■ امتحان خاص الهی

موفقیت در هر مرحله‌ای از امتحان الهی یا ابتلاء سبب ورود فرد به مرحله‌ای برترمی‌شود و او را با امتحان‌های جدید تر روبرو می‌کند؛ درست مانند دانش‌آموزی که با موفقیت در هر امتحانی وارد مرحله‌ای بالاتر از امتحانات می‌گردد تا به موفقیت نهایی برسد. به طور مثال، اگر انسان ایمان به خداوند و بندگی او را اعلام کند، بنا به سنت ابتلاء، وارد امتحان‌ها و آزمایش‌های خاص آن می‌شود و به میزانی که در

معلوم

علت

آزمون‌های اولیه سربلند بیرون آید، قدم در آزمون‌های بعد می‌گذارد و برای کسب کمالات برتر آماده می‌شود.



صفحه ۶۸ کتاب درسی - حدیث

امام صادق (ع) درباره رابطه مراتب ایمان و مراتب امتحان می‌فرمایند:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْمِيزَانِ»

«كُلَّمَا زَيَّدَ فِي إِيمَانِهِ زَيَّدَ فِي تَلَاقِهِ»

معلوم

علت

پیام حدیث سنت امتحان و ابتلاء، سنتی دارای مراتب است.

ارتباط «أَحَسِبَ النَّاسُ أَنَّ يُتَرَكُوا أَن يَقُولُوا آمِنًا وَ هُمْ لَا يَفْتَنُونَ»



صفحه ۶۹ کتاب درسی - متن کتاب

سؤال: خداوند با چه چیزی ما را امتحان می‌کند؟

پاسخ: او با هر امر خیر یا شری ما را می‌آزماید؛ بیماری یا سلامت، فقر یا ثروت، از دست دادن پدر و مادر یا داشتن پدر و مادر، بارش باران یا وقوع خشکسالی و به طور کلی هر حادثه شیرین یا تلخ، مواد امتحانی ما به حساب می‌آیند و نحوه مواجهه ما با آن‌ها پیروزی یا شکست ما را رقم می‌زنند و مهیای امتحانی دیگر می‌سازند.

از این رو، کوچک‌ترین حادثه‌ای که پیرامون مارخ می‌دهد، امتحانی برای ماست تا روشن شود که ما نسبت به آن حادثه چه تصمیمی می‌گیریم و چگونه عمل می‌کنیم. عمل درست، **رشد و کمال** و عمل غلط، **عقب‌ماندگی و خسran** ما را به دنبال دارد.

سؤال: کدام آیه ابتدای این درس، به این نکته اشاره دارد؟

پاسخ: «**أَحَسِبَ النَّاسُ ...**» (سوره عنکبوت / آیه ۲)

سؤال: در رفتار و عملکرد کسی که مصیبت و گرفتاری را امتحان الهی می‌داند با کسی که آن را یک پیشامد طبیعی می‌شمارد، چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

پاسخ: ۱ کسی که مصیبت را امتحان الهی می‌داند، در برابر مصیبت **صبر و شکیبایی می‌ورزد**، اما کسی که اعتقادی به این مسئله ندارد، بی‌تابی می‌کند و تحمل مواجهه شدن با مصیبت را ندارد.

۲ کسی که مصیبت و گرفتاری را امتحان الهی می‌داند، **گرفتار یأس و نامیدی نمی‌شود** زیرا می‌داند خداوند همه‌این سختی و مشقات را به بهترین شکل جبران می‌کند اما کسی که این نگاه را ندارد سریع دچار بحران‌های روحی، یأس و افسردگی می‌شود.

۳ کسی که مصیبت را امتحان الهی می‌داند، مصیبت و گرفتاری را **پلهای برای رشد معنوی خود می‌داند** پس با مواجهه صحیح با این مصیبت **برایمان خود می‌افزاید** اما کسی که این نگاه را ندارد، با هر مصیبتی به خداوند گمان بد می‌برد و از خدا دورتر می‌شود.

۲- سنت امداد عام الهی



صفحه ۷۰ کتاب درسی - متن کتاب

وقتی انبیا مردم را به دین الهی فرا می‌خوانند مردم در برابر این دعوت دو دسته می‌شوند: دسته‌ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند و دسته‌ای لجاجت ورزیده و در **مقابل حق می‌ایستند**. خداوند، سنت و قانون خود را برابر این قرار داده که هر کس، هر کدام از این دو راه را برگزیند، بتواند از امکاناتی که خدا در اختیارش قرار داده (مانند قدرت اراده، توان جسمی و فکری، امکانات موجود در جهان خلقت و ...) استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده است پیش رود. در واقع خداوند امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌های هر دو گروه را فراهم کرده است، حال، کسی که راه حق را برمی‌گزیند لوازم و امکانات رسیدن به حق را می‌یابد و مراتب کمال را می‌پیماید و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده و برای آن تلاش می‌کند همان را به دست می‌آورد. البته اینان عواقب زیان‌بار تصمیم غلط خود را در آخرت مشاهده خواهند کرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:



صفحه ۷۰ کتاب درسی - هود، ۱۵ و ۱۶

◀ سنت امداد الهی برای گناهکاران و دنیاپرستان

«کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می‌دهیم و کم و کاستی نخواهند دید. اما اینان در آخرت جز آتش دوزخ ندارند و هر چه در دنیا کرده‌اند برباد رفته و آنچه را که انجام می‌دهند، باطل است.»



پیام آیات روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیوی به برخی انسان‌های گناهکار و دنیاطلب، نشانه لطف خداوند به آنان نیست، در واقع سنت امداد الهی ایجاد می‌کند که انسان‌های گناهکار نیز، از لوازم و ابزار رسیدن به هدف خود بهره‌مند شوند.



صفحه ۷۱ کتاب درسی - متن کتاب

سؤال: کدام آیه ابتدای این درس، به این سنت اشاره دارد؟

پاسخ: «**كُلًا نُمَدْ هُولَاءِ و هُولَاءِ ...**» (سوره اسراء / آیه ۲۰)



پرسش

۱۲ | براساس آیات قرآن کریم چه کسانی مشمول رحمت واسعه الهی خواهند بود؟

پاسخ ۳ رحمت واسعه الهی «ما کان عطاء رَبِّكَ مَحظوظاً» بدان معناست که لطف و رحمت خداوند، شامل هر دو گروه بدکردار و نیکوکردار شده و این همان سنت امداد عام الهی بوده و با آیه «كُلًا نُمِدُّ...» ارتباط دارد.

۳- سنت امداد خاص (توفيق الهی)

صفحه ۷۱ کتاب درسی - متن کتاب

در اصطلاح دینی، توفيق به معنای آسان نمودن است؛ یعنی خداوند شرایط و اسباب را برای کسی که با بیت پاک، قدم در راه حق قُسْنَةِ فاعلی می‌گذارد و در این راه سعی و تلاش می‌کند؛ چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد. این امداد خاص خداوند سنت «توفيق الهی» نام دارد.

یکی از جلوه‌های این توفيق، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند،

تابع متبع

دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد.

سؤال: کدام آیه ابتدای این درس، به این نکته اشاره دارد؟

پاسخ: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا...» (سوره عنکبوت / آیه ۶۹)

از جلوه‌های دیگر توفيق الهی، ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی شخص مؤمن می‌باشد مانند یافتن دوست خوب، شرکت در یک جلسه قرآنی و خواندن یک کتاب تأثیرگذار و هدایتگر.

در کسب توفيق الهی، عوامل درونی مانند داشتن روحیه حق‌پذیری هم نقش تعیین‌کننده دارند. برای مثال، دو نفر با هم آیاتی از قرآن را از رسول اکرم (ص) می‌شنیدند، اما این آیات ایمان یکی را تقویت می‌کرد ولی بر لجاجت و کفر دیگری می‌افزود؛ و همین‌طور دو نفر با هم از کنار مسجدی می‌گذرند و صدای اذان را می‌شنوند، یکی به مسجد می‌رود تا نماز اول وقت خود را بخواند و دیگری بدون توجه از کنار مسجد می‌گذرد.

پرسش

۹۹ انسانی

۱۳ آیه شریفه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِيَنَا لَهُمْ يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا» مرتبط با کدام مورد است؟

۱) داشتن روحیه حق‌پذیری در کسب توفيق الهی نقش تعیین‌کننده دارد.

۲) امداد عام الهی شامل کسانی می‌شود که با بیت پاک، قدم در راه حق می‌گذارند.

۳) کسانی که به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند از امداد الهی برخوردار می‌شوند.

۴) خداوند به بندگان خود محبت دارد و با همه آنان چه نیکوکار و چه گناهکار با مهربانی رفتار می‌کند.

۴- سنت سبقت رحمت بر غضب

صفحه‌های ۷۱ و ۷۲ کتاب درسی - متن کتاب

از آنجا که خداوند به بندگان خود محبت دارد، با همه آنان، چه نیکوکار و چه گناهکار، به لطف و مهربانی رفتار می‌کند. او به بندگان خود اعلام می‌کند که:

«پروردگار شما، رحمت را بر خود واجب کرده است.»

یعنی حتی آنجا که خداوند بر کسی غضب می‌کند، باز هم از دریچه لطف و رحمت است؛ مانند مادری که بر فرزندش سخت می‌گیرد و یا در مواردی او را تنبیه می‌کند تا او را اشتباه باز دارد و به هیچ وجه قصد انتقامگیری از فرزند خود را ندارد. از همین جهت است که راه بازگشت گناهکار به خدا همیشه باز است.

■ نمونه‌هایی از سبقت رحمت خدا بر غضب او

- ۱ آمرزش گناهان با توبه
- ۲ حفظ آبروی بندگان گناهکار
- ۳ رضایت سریع از کسی که طلب آمرزش کرده
- ۴ یکی از موارد سبقت رحمت بر غضب خدا آن است که وقتی انسان کار نیکی انجام می‌دهد، خداوند به فرشته‌اش فرمان می‌دهد که فوراً آن را ثبت نماید، اما وقتی گناهی مرتکب می‌شود از فرشته خود می‌خواهد صبر کند تا بنده‌اش توبه کند و جبران نماید و در صورتی که بنده توبه نکرد، آن گناه را ثبت نماید.
- ۵ همچنین خداوند عمل نیک را چند برابر پاداش و کار بد را فقط به اندازه خودش جزا می‌دهد.
در فرازی از دعای جوشن کبیر، این سنت مورد توجه قرار می‌گیرد:
«يا من سبقت رحمة عَصْبَيْهِ: اي خدایی که رحمتش بر غضبیش سبقت گرفته است.»
- ۶ سؤال: کدام آیه ابتدای این درس، به این سنت اشاره دارد؟
پاسخ: «من جاء بالحسنة...» (سوره انعام / آیه ۱۶۰)

۵- سنت املاء و استدراج

صفحه‌های ۷۲ و ۷۳ کتاب درسی - متن کتاب

انسانی که به دام گناه می‌افتد، خداوند برای او شرایطی فراهم می‌کند که بتواند توبه کند و از گناه دوری نماید؛ حتی اگر بارها گناه کرد و توبه نمود، باز هم خداوند از گناه او می‌گذرد.
اما اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق، دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آن‌ها فرصتی می‌دهد و بر امکانات و نعمت‌های آنان می‌افزاید و آن‌ها این فرصت و نعمت‌ها را وسیلهٔ غوطه‌ورشدن در گناهان قرار می‌دهند.
در حقیقت مهلک‌ها و نعمت‌ها، با اختیار و ارادهٔ خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین‌تر شود و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک تر شوند. این سنت که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی معاندان و غرق‌شدگان در گناه است، سنت «املاء و استدراج» نام دارد.
سؤال: کدام آیه ابتدای این درس، به این سنت اشاره دارد؟
پاسخ: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا...» (سوره اعراف / آیات ۱۸۲ و ۱۸۳)

پرسش

۱۴ گرفتار شدن در سنت املاء، ریشه در کدام ویژگی نفسانی دارد و چگونه بار گناهان را سنگین‌تر می‌نماید؟

پرسش

۱۵ آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق، عناد و دشمنی می‌ورزنند، گرفتار کدام سنت می‌شوند و کدام آیهٔ شریفه حاکی از آن است؟
هنر ۹۸ با تغییر

- (۱) املاء و استدراج - «... أَمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتَّيْنُ»
- (۲) امداد عام الهی - «... أَمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتَّيْنُ»
- (۳) املاء و استدراج - «كُلَّا نُمِدُّ هُؤلَاءِ و هُؤلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحظُورًا...»
- (۴) امداد عام الهی - «كُلَّا نُمِدُّ هُؤلَاءِ و هُؤلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحظُورًا...»

پاسخ ۱ سنت املاء و استدراج، سنت حاکم بر زندگی معاندان حق می‌باشد که در آیه «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدِرُ جُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدَيِ مَتَّيْنِ» به آن اشاره شده است.



صفحه ۷۳ کتاب درسی - متن کتاب

قرار گرفتن در دایره سنت املاء و استدراج نتیجه عمل خود انسان‌هاست. بنابراین باید بکوشیم که در دایره این سنت‌ها قرار نگیریم تا به هلاکت ابدی گرفتار نشویم.



صفحه ۷۳ کتاب درسی - حدیث

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «چه بسا احسان پیاپی خدا، کسی را گرفتار کند و پرده‌بُوشی خدا او را مغورو سازد و با ستایش مردم فریفته و شیفتة خود گردد و خدا هیچ کس را همانند کسی که به او مهلت داده، امتحان و آزمایش نکرده است».

حدیث قبل، مربوط به سنت املاء و استدراج بوده و با آیات ۱۸۲ و ۱۸۳ سوره اعراف در ارتباط است.

!



صفحه ۷۳ کتاب درسی - متن کتاب

سؤال: با توجه به آیات ۱۸۲ و ۱۸۳ سوره اعراف، در چه صورتی وفور نعمت نشانه سنت استدراج است؟

پاسخ: عبارت «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا» بیان می‌دارد که این سنت در خصوص کسانی است که اعتقادی به خدا و دستورات او ندارند؛ بنابراین صرف وفور نعمت، به معنای گرفتاری به سنت استدراج نیست، بلکه اگر کسی غرق در نعمت و در همان حال بی‌اعتقاد به خدا و دستوراتش باشد، گرفتار استدراج شده است.

۶- سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او



صفحه ۷۴ کتاب درسی - متن کتاب

رهنمودهای قرآن کریم و پیشوایان دین بیانگر آن است که آینده زندگی هر فرد و اتفاقاتی که برای او رخ می‌دهد، در موارد بسیاری تحت تأثیر رفتارهای گذشته او، اعم از رفتارهای خوب و بد است.



صفحه ۷۴ کتاب درسی - حدیث

«کسانی که به **واسطهٔ گناه** می‌میرند،
از کسانی که به **واسطهٔ سرآمد عمرشان** می‌میرند، بیشترند
و کسانی که به سبب **نیکوکاری** زندگی دراز دارند،
از کسانی که به **عمر اصلی زندگی** می‌کنند، بیشترند.»

امام صادق (ع) می‌فرماید:
 «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ
 أَكْثَرُ مَمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ
 وَ مَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ
 أَكْثَرُ مَمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ»



صفحه ۷۴ کتاب درسی - متن کتاب

همچنین در تعالیم دینی آمده است که صلة رحم و محبت به خویشان و دادن صدقه، **عمر را افزایش** می‌دهد و قطع رحم و بی‌محبتی به خویشان **عمر را کاهش** می‌دهد.

احسان به والدین، امانتداری، لقمهٔ حلال، آب دادن به درخت تشهه یا سیراب کردن حیوانات و نیز برطرف کردن اندوه و غصهٔ دیگران **زندگی را بهبود می‌بخشد**.

ظلم به دیگران و افزایش گناه، اعم از فردی و اجتماعی، آثار زیانباری از جمله **نژول بلا و عدم استجابت دعا** را به دنبال دارد، همان‌طور که تقاو و ایمان واقعی به خداوند سبب **نژول برکات الهی** می‌گردد.

سؤال: کدام آیه ابتدای این درس، به این سنت اشاره دارد؟

پاسخ: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ...» (سوره اعراف / آیه ۹۶)



پرسش

۶ | از آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْيَ آمَنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخْذَنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» کدام مفهوم، دریافت می شود؟



اهمیت توجه به رشد و کمال نفس با اطاعت از فرامین الهی و دوری از گناه



صفحه ۷۶ کتاب درسی - متن کتاب

سرآغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سمت رشد و کمال، اندیشه و تفکر است. موضوعی که در بخش اول کتاب دوازدهم با محوریت تفکر پیرامون خدا، آثار و صفاتش، سنت‌های او در جهان هستی، به ویژه انسان به آن پرداختیم.

اماگام بعد، حرکت برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است که با انجام دادن مجموعه‌ای از کارها (**واجبات**) و ترك برخی از امور محرمات در قلمروهای مختلف ممکن است.

معلول

علت

هر چند این مسیر با دشواری‌هایی ممکن است همراه باشد اما یادمان نرود که خداوند، قدرتمندترین قدرتمندان، پشتیبان ما در این مسیر است.



صفحه ۷۶ کتاب درسی - نساء ۱۷۵

و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند،
به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب
خوبیش درآورد و ایشان را به سوی خود، به راهی راست،
هدایت کند.

◀ ایمان و عمل، لازمه حرکت به سمت رشد و کمال

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ ◀ توصیف
تَوحِيدِ نظری تَوحِيدِ عملی
فَسَيِّدُ الْجِلْمَهُ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ
وَ يَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
تمهید (توضیح در درس ۲ - دوازدهم)

- پیام آیه ۱ با انجام واجبات و ترك محرمات می‌توان به کسب مدارج معنوی و انسانی پرداخت.
- ۲ در مسیر کسب کمالات و مدارج معنوی هنگام رویه رو شدن با دشواری‌ها باید بدانیم که خداوند قدرتمندترین پشتیبان ماست.
- ۳ همچوar رحمت و فضل و هدایت الهی شدن تابع ایمان به خدا و قبول فرمان‌های الهی است.
- ۴ ایمان و تمسک به فرمان‌های الهی زمینه‌ساز بهره‌مندی از هدایت و راه درست زندگی است. (درس ۱ - یازدهم)
- ۵ اشاره به سنت توفیق الهی دارد. (درس ۶ - دوازدهم)

◀ ارتباط آیات «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَتَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلَنَا» (درس ۶ - دوازدهم) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِسْتِجِيبُوا لِلَّهِ وَلِرَسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحِيطُّ بِكُمْ» (اندیشه و تفکر - یازدهم)



پرسش

- ۱ آیه شریفه «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيِّدُ الْجِلْمَهُ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» مصدق روشی از سنت الهی بیان شده در کدام آیه را رائمه می‌دهد؟
- خارج ۱۴۰۰
- ۱) «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِنَةُ الْمَوْتِ وَ بَنِلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً»
- ۲) «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْنَاهَا»
- ۳) «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ مُغَيِّرًا نَعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»
- ۴) «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَتَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»

- پاسخ ۲ هدایت و امداد الهی به مؤمنان مصادیقی از سنت توفیق است که در آیه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا ...». و آیه «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ ...» مشاهده می‌شود.

بازگشت

درس
هفتم
دوازدهم

در این درس با چگونگی بازگشت گناهکاران به مسیر بندگی و عبودیت خدا آشنا می‌شویم و این درس، لازمه توبه را پشمیمانی می‌داند.

مقدمه



صفحه ۸۰ کتاب درسی - حدیث

خدای متعال (حدیث قدسی) به حضرت داود (ع) فرمود:

«ای داود! اگر آنان که از من روی گردانده‌اند می‌دانستند که چگونه انتظار آن‌ها را می‌کشم و شوق بازگشتشان را دارم، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می‌دادند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می‌گستست.»

پیام حدیث ۱ اشاره به توبه‌پذیر بودن خدا اشاره به سنت سبقت رحمت بر غضب خداوند (درس ۶ - دوازدهم)

صفحه ۸۰ کتاب درسی - متن کتاب

تصمیم‌های جدید

۱ گاهی برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامه راه است.

۲ و گاهی برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیانباری بر جای گذاشته است. این‌گونه تصمیم‌ها «توبه» نام دارد.

پرسش

۱۱ خداوند به حضرت داود (ع) در مورد توبه‌کنندگان چه فرمودند؟

عبد یا آزاد؟



صفحه ۱۸ کتاب درسی - متن کتاب

صدای ساز و آواز بلند بود ... زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بربیزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود، از آنجا می‌گذشت. از آن زن پرسید: «صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟»

زن گفت: «آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست!»

آن مرد گفت: «معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت. گناه حرمتشکنی است. نفی عیاشی و زندگی اشرافی و این بساط را پهن نمی‌کرد.»

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مدت بیشتری در بیرون خانه مکث کند. هنگامی که برگشت، اربابش پرسید: «چرا معطل کردی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت که، مردی با چنین وضع و شمايلی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم. شنیدن ماجرا، صاحبخانه را چند لحظه دراندیشه فرو برد. جمله «اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت» پایداری توبه به عنوان یک تحول قلبی باید متکی به اندیشه و تعقل باشد.

چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. یکباره از جا برحاست و به خود مهلت پوشیدن کفش رانداد. با پای برخene به دنبال گوینده سخن رفت. دوید تا خود را به گوینده سخن، که امام موسی کاظم (ع) بود، رساند. در حضور امام (ع) توبه کرد و تازنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. **پُشرون حارث** که تا آن روز در زمرة اشرف زادگان و عیاشان قرار داشت، در سلک مردان پرهیزکار و خدایپرست درآمد.

داستان بشربن حارت:



❶ مصادقی از درس آهنگ سفر است و اشاره به «تصمیم و عزم»، «عهد بستن» و «مراقبت» دارد. (درس ۸ - دهم)

❷ شرط بندگی و عبودیت، پرهیز از گناه است و انجام گناه حرمتشکنی صاحب خود (خدا) است.

انقلاب علیه خود



صفحه‌های ۸۱ و ۸۲ کتاب درسی - متن کتاب

در میان مخلوقات، انسان موجودی است که علاوه بر ایستادگی در برابر موانع بیرونی، می‌تواند در برابر موانع درونی نیز ایستادگی کرده و حتی علیه خود انقلاب کند؛ بدین معنا که می‌تواند با پیروی از عقل، علیه تمایلات ناپسند خود قیام کند و انقلاب نماید.

معلول

ملت

سؤال: مقصود از انقلاب علیه خود چیست؟ کدام خود علیه دیگری انقلاب می‌کند؟

پاسخ: منظور از انقلاب علیه خود آن است که نفس الهی انسان که از آن به خود عالی یاد می‌شود، علیه نفس حیوانی و خوددانی قیام کرده و او را کنار بزند، یعنی انسان می‌تواند با پیروی از دستور عقل و نفس لوامه و یا همان خود عالی، علیه خود دانی قیام کند.

حقیقت توبه



صفحه ۸۲ کتاب درسی - متن کتاب

توبه در لغت به معنای بازگشت است و در مورد **بندگان (توبه عبد)**، به معنای بازگشت از گناه به سوی **خداؤنده** و قرار گرفتن در دامن عفو و غفران اوست.

این حالت وقتی رخ می‌دهد که انسان از گناه **پشیمان** شده و قصد انجام آن را نداشته باشد.

با بازگشت بندگانه کار، **خداؤنده (توبه معبود)** نیز به سوی او باز می‌گردد و درهای رحمتش را به رویش می‌گشاید و آرامش را به قلب او باز می‌گرداند. علت

همین که انسان بعد از انجام گناه، در دل احساس پشیمانی کند و زبان حالت این باشد که: «چقدر بد شد! چرا به فرمان خدا بی توجهی کردم؟ دیگر این کار را انجام نمی‌دهم!» توبه انجام شده و گناه بخشیده می‌شود.

صفحه ۸۲ کتاب درسی - حدیث

امام باقر(ع) می‌فرماید: «برای توبه کردن پشیمانی کافی است.»

پیام حدیث حقیقت توبه، پشیمانی قلبی و استغفار در دل است.



صفحه ۸۲ کتاب درسی - متن کتاب

چنین انسانی واقعاً در دل «استغفارالله» را گفته است، گرچه آن را بر زبان جاری نکرده باشد. اما اگر برعکس باشد، یعنی با زبان «استغفارالله» بگوید اما در قلبش پشیمان نباشد و قصد انجام دوباره گناه را داشته باشد، چنین کسی توبه نکرده است.



پرسش

| ۲ | نخستین گام ورود به دروازه رحمت الهی، چه زمانی برداشته می‌شود؟



صفحه ۸۲ کتاب درسی - متن کتاب

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی‌هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست و شو می‌دهد. به همین جهت این عمل را پیرایش یا تخلیه نیز می‌گویند.



صفحه ۸۲ کتاب درسی - حدیث

«کسی که از گناه توبه کرده
مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است.»

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

«الْتَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ

(صدقاق فاعل الخَيْرِ) (درس ۴ - دوازدهم)

«كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»

پیام حدیث ۱ | تشبیه توبه‌کار به انسان بی‌گناه.

۲ | توبه پاکی است. ۳ | پیرایش یا تخلیه، نام دیگر توبه است.



صفحه ۸۳ کتاب درسی - حدیث

«توبه دل‌ها را پاک می‌کند
و گناهان را می‌شوید.»

امیر المؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

«النَّوْءَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ

(صدقاق فعل الخَيْرِ) (درس ۴ - دوازدهم)

«وَتَغْسِيلُ الذُّنُوبِ»

پیام حدیث ۱ | توبه پاکی است. ۲ | پیرایش یا تخلیه، نام دیگر توبه است.

این حدیث علی (ع) می‌تواند برای حدیث پیامبر (ص) علت باشد. (چون توبه گناهان را پاک می‌شوید، پس توبه‌کار مانند انسان بی‌گناه است.)

معلول

علت

!

نکات اولیه مربوط به توبه



صفحه ۸۳ کتاب درسی - متن کتاب

۱ | با توبه همه گناهان حتی شرک هم آمرزیده می‌شود.

خداآوند به پیامبرش پیام می‌دهد که:



صفحه ۸۳ کتاب درسی - زمره ۳

بگو ای بندگان من که بسیار به خود ستم روا داشته‌اید،
گناه، ظلم به نفس است.

از رحمت الهی نامید نباشید،
خداوند همه گناهان را می‌بخشد،
چرا که او آمرزنده مهریان است.

◀ وعده آمرزش همه گناهان با توبه

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ
نَفْسٌ لَوْمَهُ
تَوْحِيدُ الْمَالِكِيَّةِ
(درس ۲ - دوازدهم)

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ مَعْلُولٌ ۖ ۱

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا عَلَت١ مَعْلُول٢

إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ عَلَت٢



پیام آیه ۱ با توبه همه گناهان حتی شرک هم آمرزیده می‌شود.

۲ یأس و نامیدی از رحمت خدا برای هیچکس حتی گناهکاران جایز نیست.

۳ گناه، ستم و ظلم به خود است، زیرا خود عالی از رسیدن به کمال بازمی‌ماند.

۴ از آنجاکه این آیه «**قُلْ يَا عِبَادِيَ ... بگو ای بندگان من ...**» اشاره به مالکیت خداوند بر بندگان دارد، مربوط به توحید در مالکیت است.
(درس ۲ - دوازدهم)



صفحه ۸۳ کتاب درسی - متن کتاب

۲ توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه اگر ایمان و عمل صالح نیز به دنبال آن بباید، گناهان را به حسنات تبدیل می‌کند.



صفحه ۸۳ کتاب درسی - فرقان، ۷۰

◀ تبدیل گناهان به حسنات با توبه همراه با ایمان و عمل صالح

توبه + ایمان + عمل صالح

﴿کسی که بازگردد و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می‌کند، زیرا خداوند آمرزنده و مهریان است.﴾
تمهه

توصیف

پیام آیه ۱ ایمان و عمل صالح کمک‌کننده به توبه است و معیت این سه با هم، موجب تبدیل سیئات به حسنات است.

۲ تبدیل گناهان به حسنات نشانه آمرزنده و مهریانی خداوند و مصداقی از سنت سبقت رحمت الهی بر غضب است. (درس ۶ - دوازدهم)

۳ ارتباط احادیث «الْتَّائِبُ مِنَ الذَّنَبِ ...» از رسول خدا (ص) و «الْتَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ ...» از امام علی (ع).



پرسش

۴ با توجه به عبارت شریفه «خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می‌کند، زیرا خداوند آمرزنده و مهریان است» با چه شرایطی این تبدیل صورت می‌گیرد؟



صفحه ۸۳ کتاب درسی - متن کتاب

۵ توبه در جوانی آسان تر است و خداوند توبه جوانان را بسیار دوست دارد.



صفحه ۸۳ کتاب درسی - حدیث

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کسی نزد من محبوب تر از جوان توبه‌کار نیست.»



صفحه ۸۳ کتاب درسی - متن کتاب

۶ در توبه همیشه باز است، اما توفیق توبه همواره میسر نیست. باید لحظه‌های توفیق را شکار کرد و خود را در دامن مهر خداوند انداخت.

۷ تکرار توبه، اگر واقعی باشد، نه تنها به معنی دور شدن از خداوند نیست، بلکه موجب محبوب شدن انسان نزد خداوند و جلب رحمت او می‌شود.



صفحه ۸۳ کتاب درسی - بقره، ۲۲۲

توبه سبب پاک شدن و محبوب شدن نزد خداست

خداؤند کسانی را که زیاد توبه می‌کنند، دوست دارد
و پاکیزگان را دوست دارد.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ
وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

پیام آیه ۱ تکرار توبه اگر واقعی باشد موجب محبوب شدن نزد خدا و جلب رحمت او می‌شود.

۲ توبه زمینه‌ساز پاکی است. (تقدم توابیین به متاطهیرین)



صفحه‌های ۸۳ و ۸۴ کتاب درسی - متن کتاب

بنابراین، اگر کسی گناهی مرتکب شد و توبه کرد، اما توبه‌اش را شکست و دوباره مرتکب گناه شد، هیچ مانعی ندارد که باز هم توبه کند و از خداوند عذرخواهی نماید؛ چرا که خداوند کسی را که فُرَاً از گناه خود ناراحت می‌شود و بسیار توبه می‌کند، دوست دارد؛ زیرا می‌بیند

معلول

چنین فردی، با اینکه در دام گناه افتاده، اما قلبش نزد اوست و به سرعت از عمل خود پشیمان می‌شود.

علت

حیله‌های شیطان



صفحه‌های ۸۴ و ۸۵ کتاب درسی - متن کتاب

شیطان، برای دور کردن انسان از توبه، تلاش فراوان می‌کند و با حیله و فربیب مانع توبه انسان‌ها می‌شود، برخی از حیله‌های وی عبارت‌اند از:

۱- نامید کردن از رحمت الهی

۱ ابتدا انسان را با این وعده که «گناه کن و بعد توبه کن!» به سوی گناه می‌کشاند و وقتی که او آلوده شد، از رحمت الهی مأیوسش می‌سازد. پس از این اتفاق انسان را با حیله و فربیب مانع توبه انسان‌ها می‌شود، برخی از حیله‌های وی عبارت‌اند از:

و می‌گوید «آب که از سرگذشت چه یک وجب، چه صد وجب.»

در این حالت، انسان با خود می‌گوید که کار از کار گذشته و پرونده عمل نزد خداوند آن قدر سیاه است که دیگر توبه‌ام پذیرفته نیست.

در حالی که آدمی، هر قدر هم که بد باشد، اگر واقعاً توبه کند و نادم و پشیمان شود، حتماً خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد:

بازآ بازا هرآنچه هستی بازا	گر کافر و گبر و بتپرستی بازا
این درگه ما درگه نومیدی نیست	صدبار اگر توبه شکستی بازا

۲ ارتباط شعر قبل با آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ...» در ارتباط است.



پرسش

۳ کدام مورد، مفهوم عبارت «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» را بیان نموده است؟ تحریک ۹۸ با تغییر

هر دو عالم پرز نور و دیده نابینا چه سود
تا کی مقام دوست به دشمن رها کنیم
صدبار اگر توبه شکستی بازا
توحید محض کز همه رو در خدا کنیم

- ۱) مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان
- ۲) چند آید این خیال و رود در سرای دل
- ۳) این درگه ما درگه نومیدی نیست
- ۴) روی از خدابه هر که کنی شرک خالص است



صفحه‌های ۸۵ و ۸۶ کتاب درسی - متن کتاب

۲- به تأخیر انداختن توبه (تسویف)

«تسویف» از ریشه «سُوْفَ» و به معنای امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است (توبه را به تأخیر انداختن). به عبارت دیگر، فرد گنهکار دائمًا به خود می‌گوید «به زودی توبه می‌کنم». و این گفته را آن قدر تکرار می‌کند، تا اینکه دیگر میل به توبه در او خاموش می‌شود. این حیله شیطان، بیشتر برای گمراه کردن **جوانان** به کار می‌رود. به او می‌گوید تو هنوز جوانی و فرصت توبه داری، بالاخره در آینده می‌توانی توبه کنی. اما این یک دام است و سبب **عادت جوان** به گناه می‌شود، به طوری که ممکن است ترک گناه برایش سخت گردد.

تسویف

درست است که هر وقت برگردیم خدا قبولمان می‌کند، اما اگر انسانی غرق گناه شود، دیگر معلوم نیست که میل به توبه پیدا کند. شاید گناه به قدری بر روحش غلبه کند که هیچ وقت قلبش از گناه پشمیمان نشود و وقتی که پشمیمانی قلبی نباشد توبه‌ای صورت نگرفته است.

۳- گام به گام کشاندن به سوی گناه

روش دیگر شیطان برای کشاندن انسان به شقاوت این است که او را **گام به گام و آهسته** به سمت گناه می‌کشاند تا در این **فرایند تدریجی**، متوجه رشتی گناه و قبح آن نشود و اقدام به توبه نکند. برای مثال، شیطان از همان ابتدا، انسان را به رابطه نامشروع با جنس مخالف دعوت نمی‌کند، بلکه در گام اول سخن از یک دوستی ساده به میان می‌آورد، دوستی‌ای که فقط در حد صحبت و درد و دل کردن است. اما در گام‌های بعدی و به صورت تدریجی چنان این دوستی را پیش می‌برد که فرد خود را غرق در فساد و آلودگی می‌بیند.



پرسش

۱۵ چرا شیطان برای کشاندن انسان به شقاوت، او را گام به گام به سمت گناه می‌کشاند و حیله تسویف چه مشکلی برای فرد ایجاد می‌کند؟

مراحل تكميلي توبه



صفحه‌های ۸۶ و ۸۷ کتاب درسی - متن کتاب

توبه یا همان پشمیمانی از گناه آثار و نتایجی دارد که در زندگی شخص توبه‌کننده خود را نشان می‌دهد؛ از جمله:

۱- تلاش در جهت دور شدن از گناه (مراقبت)

توبه‌کننده تلاش می‌کند دیگر به سراغ گناهی که از آن پشمیمان شده است نرود، زیرا **انجام آن** مساوی با **شکستن توبه** است که در آن صورت باز هم باید توبه کند. به عبارت دیگر، اگر توبه‌کننده حقیقتاً توبه کرده باشد، گرچه **ممکن** است به آن گناه **سوق هم داشته باشد** اما سعی خواهد کرد در عمل از آن دوری نماید؛ یعنی از افراد، مکان‌ها و موقعیت‌هایی که می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری گناه باشند، دوری می‌کند.

۲- جبران حقوق الهی و حقوق مردم (محاسبه)

توبه‌کننده تلاش می‌کند حقوقی را که با گناه خود ضایع کرده است **جبران** نماید. دسته‌ای از این حقوق، مربوط به خداوند است (حق الله). مهم‌ترین حق خداوند نیز، حق **اطاعت و بندگی** است.

توحید عملی

توبه‌کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود در پیشگاه خداوند را جبران کند؛ برای مثال، نمازها یا روزه‌های از دست داده را **به تدریج قضا نماید** و عبادات‌های ترک شده را به جا آورد.

حق الله

البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه کار **تلاش خود را کرده** و نتوانسته همه گناهان را جبران کند، بقیه موارد را خود جبران نموده و او را عفو می‌کند.

دسته‌ای دیگر، حقوق مردم (حق‌الناس) است. توبه‌کننده باید بکوشد اگر **ستمی بر مردم** کرده است آن را جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آن‌ها را **در حد توان** ادا کند و رضایت صاحبان حق را به دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، به نیابت آنان **صدقه** دهد و برایشان **دعای خیر و طلب آمرزش** نماید.

توجه کنیم که **حقوق معنوی** انسان‌ها بسیار مهم‌تر از حقوق مادی آنان است؛

۱ اگر با دروغ، غیبت و تهمت **آبروی انسانی** ریخته شده؛

۲ اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته شده؛

۳ اگر با توزیع کتاب یا راه انداختن یک شبکه اجتماعی گمراه‌کننده در فضای مجازی، **فساد و تباہی** در جامعه گسترش یافته؛

۴ اگر رفتار ناپسند برخی افراد **سبب بدینی دیگران به دین شده**؛

در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده و باید فرد توبه‌کننده به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.



۶ | علاوه‌بر «پشیمانی از گذشته» چه کارهای دیگری لازم است که توبه انسان کامل شود؟

توبه اجتماعی



صفحه ۸۸ کتاب درسی - متن کتاب

جامعه اگر در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شد، نیازمند بازگشت به **مسیر توحید و اصلاح**، یعنی نیازمند «توبه اجتماعی» است.

انحراف‌های اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه گرفتن، بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم‌پذیری و اطاعت از غیر خدا از جمله این بیماری‌ها و انحراف‌هاست.

سؤال: مهم‌ترین **راه اصلاح** و معالجه جامعه از این نوع بیماری‌ها چیست؟

پاسخ: انجام دادن **وظیفه امر به معروف و نهی از منکر** است.

اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی‌تر و محکم‌تر می‌شوند و در تمام سطوح جامعه نفوذ می‌کنند. در

معلول ۱

علت ۱

واقع اگر مردم در برابر این گناهان حساسیت نشان دهند و در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را اصلاح کنند، به آسانی می‌توانند

علت ۲

مانع گسترش گناهان شوند. اما اگر مردم **کوتاهی** کنند و اقدامات دلسوزانه جامعه به جایی نرسد و به تدریج انحراف از حق بیشتر

علت ۳

معلول ۲

و بیشتر شود، اصلاح آن مشکل می‌شود و نیاز به تلاش‌های بزرگ و فعالیت‌های اساسی و زیربنایی پیدا می‌شود تا آنجا که ممکن

معلول ۵

علت ۵

معلول ۴

علت ۴

است نیاز باشد انسان‌های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباہی برهانند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

معلول ۷

علت ۷

معلول ۶



پرسش

۷ | «دروغ»، «ظلم‌پذیری»، «غیبت» و «رباخواری»، به ترتیب از مصادیق کدام گناهان بوده و راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری‌ها چیست؟

تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟



صفحه ۸۸ کتاب درسی - متن کتاب

سراسر **عم**، طرف زمان توبه است، اما بهترین زمان برای توبه، دوره‌ای است که امکان توبه بیشتر و انجام آن آسان‌تر و جبران گذشته **جوانی** راحت‌تر است.

دوره جوانی دوره انعطاف‌پذیری، تحوّل و دگرگونی و **دوره پیری** دوره کم شدن انعطاف و تثبیت خوی‌ها و خصلت‌های است، برهمنی اساس توبه و اصلاح رذائل در جوانی بسیار آسان‌تر از زمان پیری است.

